

مسلمانان آمریکا





زنان جوانی که بر روی جلد ما دیده می شوند هر دو مسلمانند. آنها در دیترویت، میشیگان، در محله ای که بسیاری از اهالی آمریکاییان عرب تبارند زندگی می کنند. هرکدام از آنها به شیوه خود، با آمیزه ای از لباس سنتی و مدرن ایمان مذهبی را بیان می کند. اینجا، آنها در زمین بسکتبال، ورزشی که مهارت فردی و کوشش جمعی را با هم در می آمیزد بشدت با یکدیگر رقابت دارند. آنها، همراه با دیگر مردان، زنان و کودکان در این نشریه، به طور روزانه نشان می دهند که چگونه می توان یک مسلمان آمریکایی بود.

مسلمانان آمریکا

مقدمه

"من یک آمریکایی با روح مسلمان هستم" ۲

انشاء عکس

بنا نهادن زندگی در آمریکا ۴

چهره های آمریکایی

موفقیت و درخشش مسلمانان جوان ۵

منابع

تصویر آماری ۴۸

مساجد و جوامع ۵۲

جدول زمانی رویدادهای مهم ۵۶

ضمیمه

آیا می دانستید؟ / مینی پوستر بازیگران

فهرست منابع ۶۸



"من یک آمریکایی با روح مسلمان هستم"

کشوری کثرت گرا، یک کشور عمیقاً مذهبی باقی مانده است. البته که ما متدین ترین کشور غربی هستیم و همین طور گوناگون ترین کشور جهان از لحاظ مذهبی. اکنون آن برج کلیسای مرکز شهر بالای تپه را مناره های مساجد مسلمانان، نوشته های عبری کنیسه های یهودیان، آوای



ابوپاتل

سانگا های بوداییان، و مجسمه های معابد هندو احاطه کرده است. در واقع، در حال حاضر تعداد مسلمانان آمریکا از پیروان کلیسای اسقفی، که مذهب بسیاری از بنیان گذاران بود، بیشتر است.

یکصد سال پیش، دوبوا، دانش پژوه بزرگ آفریقایی آمریکایی هشدار داد که مشکل قرن، مرز رنگ پوست

من به آمریکا عشق می ورزم نه به خاطر این که گرفتار توهم بی نقص بودن آن هستم، اما به این خاطر که به من- فرزند مهاجران مسلمان از هند- اجازه می دهد در پیشرفتش مشارکت داشته باشم، جایی برای خودم در آینده درخشانش باز کنم، و نقشی در امکاناتش داشته باشم.

جان وینتروپ، یکی از اولین مستعمره نشینان آمریکا، این معنای امکانات را به زبان ادا کرد. او به هموطنان خود گفت که جامعه آن ها مانند شهری برفراز یک تپه است، مانند یک چراغ دریایی برای جهان. این امیدی بود که در ایمان مسیحی وینتروپ ریشه داشت، و بدون شک او شهرش را بر روی تپه با یک برج کلیسا در مرکز آن تصور می کرد. با گذشت قرن ها، آمریکا در عین تبدیل به

است. در قرن بیستم یکم احتمال دارد مرز دیگری تعیین کننده تفاوت ها باشد. مرز مذهب. ضروری ترین پرسش ها برای کشور من (آمریکا)، مذهب (اسلام)، و بندگان خدا شاید اینها باشد: چگونه مردمی که برداشت های مختلفی از بهشت دارند ممکن است روی زمین با یکدیگر روابط متقابل داشته باشند؟ آیا برج کلیسا، مناره، کنیسه، معبد، و سانگها می توانند به ما بیاموزند که در فضای مشترکی در شهری جدید روی تپه با یک دیگر سهم باشیم؟

من تصور می کنم که خلیات آمریکایی- ترکیبی از بردباری و احترام- خصلتی ویژه به این مسئله می بخشد.

آمریکا مجمع بزرگی از انسان هاست، اکثریتی از دیگر جاها. نبوغ آمریکایی در اجازه دادن به این انسان برای سهم شدن در سنت آمریکاست، تا نغمه تازه ای به ترانه آمریکا بیفزایند.

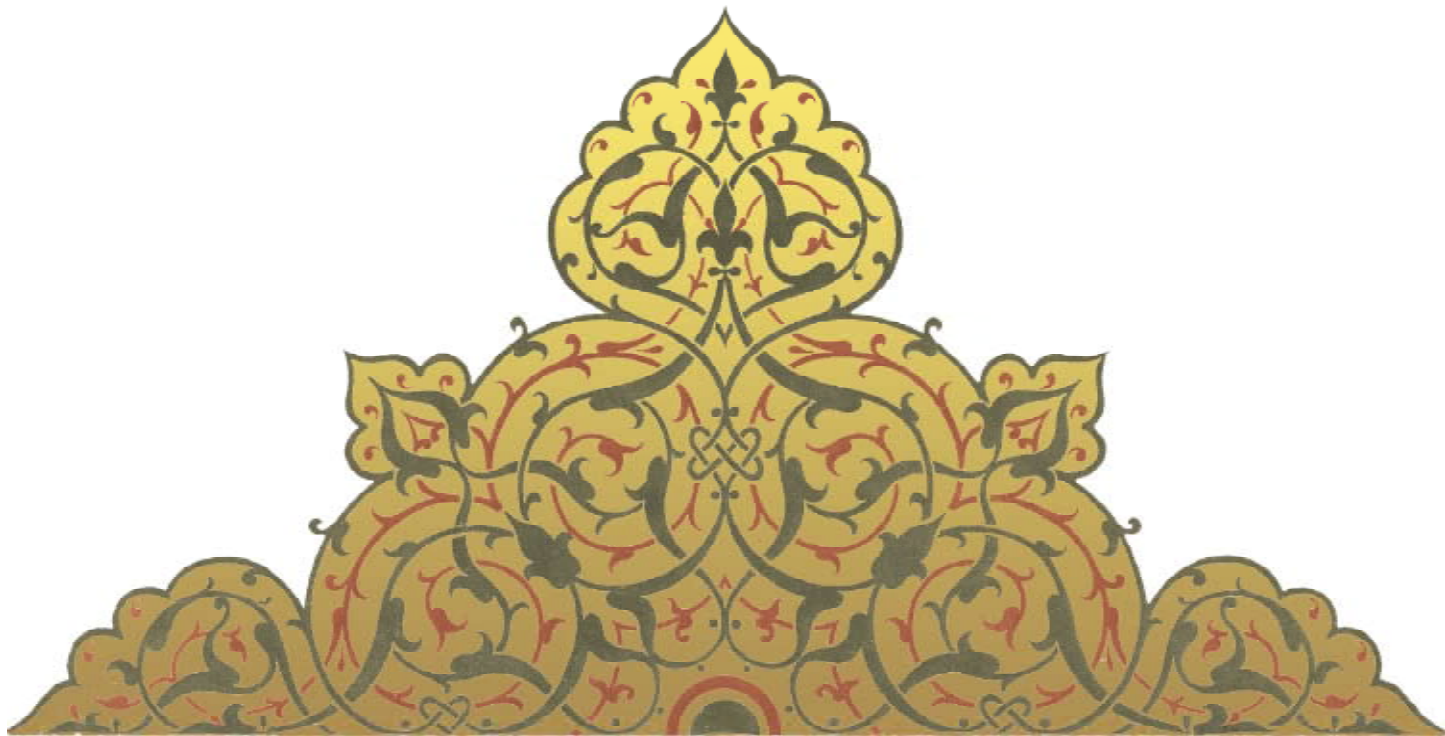
من یک آمریکایی با روح مسلمان هستم. روح من تاریخ مفصلی از قهرمانان، جنبش ها، و تمدن هایی را در خود دارد که مشتاق بودند گردن اطاعت به اراده خداوند بنهند. هنگامی که محمد، پیامبر اسلام با موعظتاش پیام اصلی اسلام، یعنی توحید و عدالت الهی را می رساند، روح من به این پیام گوش فراداد. در قرون وسطا، روح من به سوی شرق و غرب گسترده شد و در مساجد به دعا نشست و در کتابخانه های بزرگترین شهرهای اسلامی قرون وسطا، قاهره، بغداد، و کوردوبا، مطالعه کرد. روح من با مولوی چرخید، و در حضور بوعلی سینا به مطالعه ارسطو پرداخت، و در کنار ناصر خسرو در آسیای صغیر سفر کرد. در دوران استعمار، عدالت، روح مسلمان مرا بیدار کرد. برای آزادی هند در کنار عبدالغفار خان و خدایی خدمتگاران در ساتیاراگا ها راهپیمایی کرد. او پا به پای فرید اسحاق، ابراهیم موسی، رحید عمر و جنبش جوانان مسلمان، در مبارزه آن ها برای کثرت فرهنگی آفریقایی جنوبی مبارزه کرد.

در یک چشم دیدگاه کثرت گرای کهن اسلام را دارم؛ در

دیگر چشم آینده درخشان آمریکا را، و در قلبم، برای تحقق یافتن این فرصت دعا می کنم: شهری روی تپه که جوامع مذهبی مختلف در کنار یک دیگر در خدمت مصلحتی واحد باشند؛ جهانی که در آن ملت ها و مردمان گوناگون با روح برادری و پرهیزکاری یکدیگر را بشناسند؛ قری که در آن درکنار یکدیگر به زندگی مشترک بپردازیم.

ابو پاتل، نویسنده، مدیریت اجرایی کانون میان مذهبی جوانان در شیکاگو، ایلینوی را به عهده دارد. او یکی از رهبران جنبش میان مذهبی است.





بنا نهادن زندگی در آمریکا





عبدل و مجیده الاسعدی در حال خرید در مغازه "وال مارت" در شهر دیاربورن ایالت میشیگان.

مهاجران از اقصی نقاط جهان به آمریکا آمده اند. آنها با یکدیگر متفاوت هستند، اما دلیل مهاجرت آنها مانند یکدیگر است: برخی برای فرار از شیوه زندگی قدیم خود، و برخی برای یافتن زندگی جدید. برخی از خشونت فرار کرده اند، و برخی از قید سنت ها، فقر، و یا کمبود فرصت ها. آنها در قرن نوزدهم عمدتاً از اروپا می آمدند و در قرن های بیستم و بیست و یکم از سایر نقاط جهان – آسیا، آفریقا، خاورمیانه، و آمریکای مرکزی و جنوبی.

آنها با امید قدم به خاک آمریکا می گذاشتند، و اغلب غیر از این امید چیز دیگری به همراه نداشتند.

آنها در ابتدا با برخوردهای متفاوتی روبرو می شدند. این آمریکاییان جدید، خود را در سرزمینی بسیار وسیع می یافتند که نیازمند کار و کوشش آنها بود. اما برخی که با سنت ها و مذهب این تازه واردان آشنایی نداشتند، با این آمریکاییان جدید مانند خارجی ها رفتار می کردند و اعتقاد داشتند که آنها هیچ گاه تبدیل به آمریکایی واقعی نخواهند شد. این عقیده اشتباه بود. گروه های پی در پی مهاجران با آزادی، ایمان، و سخت کوشی توانسته اند داستان های متمایزی را به تاریخ آمریکا بیافزایند، جامعه و فرهنگ ما را غنی سازند، و معنای همیشه پویا و در حال تکامل واژه ای را که تمامی ما را به یک دیگر پیوند می دهد را متبلور سازند: آمریکایی بودن. و امروز این داستان در مورد یک



گالری هر روز عکس

آمریکاییان جدید هم اکنون نیز با همان چالش های قدیمی پیش روی مهاجران مواجه می شوند: یافتن جایگاه خود در ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آمریکا.

به عنوان مثال دو خواهر به نام های اشیا و امان بوندایی را در نظر بگیرید. والدین آنها اهل الجزایر هستند و این دو خواهر به عنوان افراد آمریکایی مسلمان نزدیک شیکاگو، ایلینویز، بزرگ شده اند. به گزارش رادیوی عمومی ملی (NPR)، اشیا و امان در دوران کودکی و نوجوانی خود هم کانال تلویزیونی برنامه کودکان نیکلودئون را تماشا می کردند و هم شبکه خبری الجزیره را. آنها هنگام سفارش غذا از بیرون نیز گاهی مرغ سوخاری کنتاکی

آمریکایی مسلمان است.

در سال ۱۹۶۵ یک قانون مهاجرت جدید تصویب شد که تاثیر عمیق و گسترده ای در روند ورود مهاجران به آمریکا داشت. به موجب این قانون دیگر سهمیه های مرتبط با ملیت مهاجران در ورود آنها به آمریکا نقشی نداشت. روابط خانوادگی و مهارت های شغلی همچنان از عوامل مهاجرت پذیری به شمار می رفت. با این تغییر، تعداد مهاجران افزایش یافت و برای اولین بار تعداد بسیار زیادی از مسلمانان از آسیای جنوبی و خاورمیانه به ایالات متحده آمدند. آنها وارد کشوری شدند که تفاوت های بسیار زیادی با کشوری که مهاجران در قرن نوزدهم وارد آن می شدند، داشت. اما



صفحه مقابل: سمت راست؛ صدف بوت حجاب خود را درست می کند، سمت چپ؛ اعضای انجمن کارمندان مسلمان کنگره در حال استراحت پس از فعالیت قانونگذاری، مشغول گفتگو در کاپیتال هیل هستند، در این صفحه: تصویر بالا؛ طراح مد لباس، بروک صمد، مشغول مقایسه پارچه ها با یکدیگر است، سمت راست؛ تحقیق عباسی در مغازه خرازی خودش، واقع در یونیون سیتی، ایالت نیوجرسی.



سفارش می دهند و گاهی نیز فلافل رستوران مورد علاقه خود را.

اشیا، بیست ساله، به NPR گفت: "در آمریکا، ما اول می گویم که مسلمان هستیم، زیرا این موضوعی است که ما را متمایز می سازد. اما در کشورهای دیگر، مانند کشورهای مسلمان، ما اول می گویم که آمریکایی هستیم."

داستان آنها از لحاظی قابل توجه به شمار می رود و از طرفی این گونه نیست. زیرا هیچ چیز را نمی توان بیش از نسل جدیدی که - از دریچه متنوع ترکیب نژاد و مذهب - خود را به عنوان آمریکاییان معرفی می کنند، آمریکایی دانست.

بهزاد یغماییان، آمریکایی ایرانی تبار و نویسنده *استقبال از بی ایمانی: داستان مهاجران مسلمان در غرب می گوید: "آمریکا همیشه برای مسلمانان و غیرمسلمانان سرزمین موعود بوده است." او به نیویورک تایمز گفت: "مهاجران هنوز به این دلیل به این کشور می آیند که ایالات متحده چیزی را به آنها می دهد که در کشور خود از آن بی بهره هستند."*

داستان های آمریکاییان مسلمان دارای چهارچوبی شبیه به یک دیگر می باشد، اما هر یک از این داستان ها به تنهایی دارای تاثیر چشمگیری بر تنوع پویای کشوری هستند که نه تنها توسط اجداد مشترک ما بنا شده است، بلکه بر مبنای ارزش های مشترک آزادی، فرصت های برابر، و حقوق برابر برای همه انسان ها ایجاد شده است.

هسیا دینر، مورخ، می نویسد: "در هر برهه از تاریخ آمریکا، زنان و مردانی از نقاط مختلف جهان به آمریکا آمده اند. به آنها به عنوان خارجیانی نگریسته می شد که زبان، فرهنگ، و مذهب آنها در آن زمان برای جو غالب جامعه آمریکا بیگانه بود. با گذشت زمان و تغییر نگرش ها نسبت به فرهنگ ایالات متحده، مهاجران و فرزندان آنها دست به ایجاد جوامعی نژادی زدند و در زندگی مدنی آمریکا مشارکت کردند، و به خدمت به جامعه پرداختند."

آمریکاییان مسلمان دارای دگرگونی و تنوعی هستند که حتی در قالب استانداردهای آمریکایی نیز فوق العاده می باشد. در تقابلی



صفحه مقابل: عیدی محمد در مغازه اش در شهر اوماها، ایالت
نبراسکا نماز می خواند، در این صفحه: تصویر از بالا به پایین؛
در شهر بروکلین، ایالت نیویورک، خانواده ای در حین جستجو در
اینترنت. نحه منصور، در حال چرخ کردن گوشت حلال است.
سوزان فضل الله در حال آماده کردن افطاری.



آشکار با سایر گروه های مهاجرین، آمریکاییان مسلمان را نمی توان بر مبنای نژاد و یا ملیت آنها دسته بندی کرد. از این لحاظ آنها شبیه به آمریکاییان لاتین تبار می باشند، که اصلیت آنها متعلق به اسپانیا، کشورهای آمریکای لاتین، و جزایر کارائیب است.

تنوع و دگرگونی آمریکاییان مسلمان از این نیز گسترده تر است و اصلیت آنها شامل جنوب آسیا، خاورمیانه، آسیای جنوب شرقی، منطقه بالکان در اروپا، آفریقا، و همچنین تعداد رو به رشدی از مسلمانان لاتین تبار می باشد.

به این دلیل که ایالات متحده از جمعیت این کشور بر مبنای مذهب آنها آمارگیری نمی کند، هیچ آمار رسمی و دولتی ای در مورد تعداد مسلمانان آمریکا وجود ندارد. این تعداد از ۲ میلیون نفر تا ۷ میلیون نفر تخمین زده می شود. از این تعداد، حدوداً ۳۴ درصد پاکستانی بوده و یا از منطقه جنوب آسیا هستند، و ۲۶ درصد را نیز اعراب تشکیل می دهند.

۲۵ درصد دیگر آمریکاییان مسلمان را نیز اتباع این کشور تشکیل می دهند، که اکثراً آمریکاییان آفریقایی تبار می باشند، و این امر خود باعث پیچیدگی بیشتر تجربیات غنی آمریکاییان مسلمان می شود. به بیان دیگر، داستان آمریکاییان مسلمان تنها به مهاجرت و آمریکایی شدن محدود نمی شود، بلکه بخشی از قدرتمندترین موضوع ها در تاریخ آمریکا به شمار می رود: تلاش برای برابری نژادی.

در سرتاسر کشور، چه در مراکز شهری و چه در جوامع روستایی، مساجد و سازمان های اجتماعی و فرهنگی مسلمانان وجود دارد. اگر قصد دارید از موزه بین المللی تمدن و فرهنگ مسلمانان – اولین موزه تاریخ اسلام در ایالات متحده – بازدید کنید، نیازی نیست که به نیویورک و یا واشنگتن سفر کنید، بلکه کافی است به بخش هنری شهر جکسون در ایالت میسی سیپی بروید. دیربورن در ایالت میشیگان مرکز زندگی بیشترین تعداد آمریکاییان عرب تبار در ایالات متحده می باشد. مسلمانان اهل آسیای جنوبی و آفریقا جوامعی پویا و رو به رشد را در نیویورک، نیوجرسی تشکیل می دهند. تعداد زیادی از مهاجران سومالیایی در



تصاویر از سمت راست به چپ؛ سامونل حقی نور، به خاطر بهترین عرضه کننده مواد غذایی در شهر نیویورک برنده جایزه وندی شد. محمد عطوی، برچسب نام او نشان می دهد که به زبان عربی حرف می زند. دکتر مایا حمود، نسخه ای از دستنامه پزشکی اش را که به زبان عربی نوشته شده، در دست دارد.



مایا آنجلو، شاعر برجسته آمریکایی آفریقایی تبار می گوید: "ما باید این نکته را دریابیم که تنوع و دگرگونی مانند نقش یک فرش دیوارکوب بسیار زیبا و غنی می باشد. و باید درک کنیم که تمامی تار و پود این فرش صرف نظر از رنگ خود ارزشی برابر دارند، و صرف نظر از بافت خود دارای اهمیتی یکسان هستند."

به عنوان مثال، برای امان بوندایویی از شیکاگو، آزادی به معنای تصمیم او در مورد پوشیدن یک روسری بود. او به یاد می آورد که در دوران دبیرستان به پاریس سفر کرده بود و در آنجا آنها با دختران دانش آموز یک مدرسه خصوصی که در اعتراض به یک قانون فرانسه مبنی بر ممنوعیت استفاده از روسری در مدارس عمومی تاسیس شده بود، صحبت کردند. بوندایویی به NPR گفت: "من و دوستانم به آنها نگاه می کردیم و در آن لحظه به خود

مینیاپولیس و سنت پال، مینه سوتا، زندگی می کنند، و کالیفرنیا جنوبی مرکز بزرگترین جامعه آمریکاییان ایرانی تبار به شمار می رود.

با این حال، این جوامع نژادی نیز یکپارچه نیستند. بسیاری از عرب هایی که در دیربورن و نقاط دیگر زندگی می کنند، مسلمان نبوده و مسیحی هستند، و تعدادی از ایرانیان مقیم لس آنجلس نیز یهودی هستند.

تعمیم دادن و کلیت بخشیدن در مورد چنین جوامع متنوعی بیش از آن که روشنگر باشد، سبب ایجاد ابهام می شود. و بهتر است که موارد نمونه ای این جوامع مورد بررسی و تحقیق قرار گیرند.

"ما باید این نکته را دریابیم که تنوع و دگرگونی مانند نقش یک فرش دیوارکوب بسیار زیبا و غنی می باشد. و باید درک کنیم که تمامی تار و پود این فرش صرف نظر از رنگ خود ارزشی برابر دارند، و صرف نظر از بافت خود دارای اهمیتی یکسان هستند."

- مایا آنجلو



صفحه مقابل: دکتر الیاس زرهونی مدیرسابق مؤسسات ملی بهداشت در حال سخنرانی. در این صفحه: سمت راست بالا؛ هنرپیشه کمدی، مایسون زاید برنامه معمول خود را تک نفره اجرا می کند. سمت راست پایین؛ مگدا خلیفه، استوار ارتش آمریکا، در اونیفورم نظامی ارتش ایالات متحده. سمت چپ؛ شریف عبدالرحیم، بسکتبالیست بازنشسته تیم ساکرامنتو کینگز در حال پریدن برای پرتاب توپ.





در جهت حرکت عقربه های ساعت از سمت چپ، پایین: یک مهاجر سومالیایی تعریفه رای خود را به صندوق می اندازد؛ فعالان مسلمان برای حل مسائل جامعه خود به صورت گروهی در صدد چاره جویی بر می آیند؛ فاروق ابوالذهاب در باره گوناگونی در مسجد خود صحبت می کند؛ رهبران مذهبی برای بزرگداشت صلح و بردباری گرد هم آمده اند؛ سارا الطنطاوی در یک کنفرانس خبری به پرسش ها پاسخ می دهد.

می گفتیم خدا را شکر که ما در آمریکا زندگی می کنیم و می توانیم به راحتی با روسری به خیابان بیاییم، بدون این که لازم باشد برای رفتن به مدرسه روسری خود را برداریم." در مقابل، برای نور فاطمه، مهاجر پاکستانی، آزادی به این معنا است که او می تواند پس از اقامت در منطقه بروکلین در نیویورک – که به نام پاکستان کوچک نیز شناخته می شود – دیگر روسری بر سر نکند، زیرا آمریکاییان عموماً این مسایل اجتماعی و مذهبی را به عنوان مسایل خصوصی افراد تلقی می کنند. فاطمه به نیویورک تایمز گفت: "این جا سرزمین فرصت هاست، همه با یک دیگر برابر هستند. من این دلیل به ایالات متحده آمدم که می خواهم پیشرفت و ترقی کنم. این به معنای تولدی دوباره برای من است."

امروزه آمریکاییان مسلمان، به مناسبت های متعدد و مختلف، آیین ها و سنت های خود را به جا می آورند، که این جنبه ای بسیار مهم از هویت آنها به شمار می رود و یکی از آزادی های بیشتری است که این کشور برای تمامی شهروندان خود فراهم کرده است. به موازات آشنایی بیشتر آنها با این آزادی ها، آنها در می یابند که خود نیز اکنون آمریکایی شده اند.

سالم المراعاتی، مدیر اجرایی شورای روابط عمومی مسلمانان، به روزنامه ساکرامنتو بی (Sacramento Bee) در کالیفرنیا گفت: "نکته ای که ما به جامعه آمریکاییان مسلمان تاکید می کنیم، این است که میهن انسان جایی است که نوه هایش در آنجا بزرگ می شوند، نه جایی که پدر بزرگش در آنجا فوت کرده است."

آمریکاییان مسلمان با افزایش جمعیت خود، اطمینان و اعتماد به نفس خود، و سازمان ها و انجمن های خود، در تمامی زمینه ها از تجارت و تحقیق و پژوهش گرفته تا ورزش و هنر فعالیت می کنند. دامنه حضور و فعالیت آنها بسیار گسترده و متنوع است، مانند ساموئل هاک نور، مهاجر متولد پاکستان، که غذاهای ادویه دار و حلال او توانست جایزه بهترین فروشنده خیابانی غذا در نیویورک در سال ۲۰۰۶ را برایش به ارمغان بیاورد؛ دکتر الیاس زرهونی، از الجزایر، که از ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ ریاست موسسه ملی بهداشت را بر عهده داشت؛ فرید زکریا، مقاله نویس و ویراستار نیوزویک؛ موس دف، هنرپیشه و خواننده هیپ هاپ؛ دیکمبه موتومبو، ستاره حرفه ای بسکتبال تیم هوستون راکتز؛ و کیت الیسون، اولین عضو



عزاداران در مراسم خاکسپاری محسن نقوی در مرکز اسلامی
الفاطمه در کولونی، ایالت نیویورک مشغول نماز هستند. نقوی،
افسر ارتش آمریکا در عملیات گشت زنی در افغانستان در اثر
بمبگذاری کنار جاده کشته شد.

مسلمان کنگره ایالات متحده از ایالت مینه سوتا.

نسل جدید از آمریکاییان مسلمان بر غنای پزشکی، علوم، و ادبیات آمریکا می افزایند. نوال نور، متخصص زنان و زایمان، که در سودان متولد شده و در مصر بزرگ شده است، با تاسیس مرکز بهداشت زنان در بوستون، ماساچوست، پیشگام بهداشت و سلامتی زنان به شمار می رود. او در سال ۲۰۰۳ عضویت افتخاری دانشگاه مک آرتور (که به نام "جایزه نوابغ" نیز نامیده می شود) را به دست آورد و در سال ۲۰۰۸ نیز بورسیه پژوهشی مسلمانان دانشگاه استنفورد را کسب کرد.

بابک پرویز، آمریکایی ایرانی تبار از دانشگاه واشنگتن، دستاوردهای چشمگیری در نانو تکنولوژی - کاربردهای الکترونیکی و بیولوژیکی فوق العاده ریز در سطح سلولی و مولکولی - شامل وسایل بسیار ریزی که می توانند به طور مستقل خود را به دفعات مونتاژ کنند، کسب کرده است.

موژا کاف، نویسنده ای که در کودکی از سوریه به آمریکا آمده است، در کتاب شعر خود به نام *ای میل های شهرزاد* و یک رمان به سبک خود زندگینامه به نام *دختری با روسری نارنجی* که وقایع آن در هند اتفاق می افتد، با طنزی ملایم و مشاهداتی دقیق، فرهنگ آمریکا و آمریکاییان مسلمان را مورد بررسی و تعمق قرار داده است - این دو کتاب او با استقبال و تحسین گسترده ای - خصوصاً در بین زنان جوان آمریکایی مسلمان روبرو شد.

او همچنین نویسنده مقاله های اینترنتی در مورد روابط اجتماعی و جنسی برای جوانان مسلمان می باشد و معتقد است که اثری مانند خود زندگینامه مالکوم ایکس و بادبادک باز - نوشته خالد حسین - می توانند سبب تمایز و برجستگی ادبیات آمریکاییان مسلمان شوند.

فدی یودا، که از والدینی فلسطینی در تگزاس متولد شده است، یک پزشک بخش اورژانس است که اکنون در هوستون کار می کند. او در پناهگاه های آوارگان در زامبیا و دارفور، سودان، با سازمان پزشکان بدون مرز همکاری کرده است. او همچنین یک شاعر برجسته به شمار می رود و مجموعه اشعار او با عنوان *زمین در اتاق زیر شیروانی* جایزه رقابت های معتبر شاعران جوان دانشگاه



بیل را به دست آورده است.

لوییس گلوک، شاعر و منتقد، در مقدمه خود بر کتاب یودا نوشت: "بسیاری از این اشعار، شعرهایی کوچک هستند، اما عظمت مفهوم و معنای آنها انکارناشدنی است. پدران و برادران تبدیل به پیامبران می شوند، فرضیه ها تبدیل به رویا می شوند و جزییات ساده یک منظره تبدیل به نمادها و پیش گویی ها می شوند. این کتابی متنوع، منسجم و قدرتمند است: نمی توان آن را پیش از خواندن بر زمین گذاشت، و نمی توان آن را فراموش کرد."

یک اسلام جدید و واقعی در حال ظهور است که بر اساس آزادی های آمریکایی و همچنین نتایج حملات یازدهم سپتامبر شکل گرفته است. گرچه طبق نظرسنجی های مرکز تحقیقات پو (PEW) و سایر سازمان ها، میزان تحصیلات و درآمد آمریکاییان مسلمان از حد متوسط بالاتر است، اما حملات تروریستی - که توسط غیرآمریکاییان برنامه ریزی و اجرا شدند - موجب بروز شک و بدبینی در بین سایر آمریکاییان شد، که عکس العمل آنی آنها علاوه بر موضع گیری های نژادی، دوری جستن و ناهمبستگی با آمریکاییان مسلمان بود. متأسفانه، این گونه بدبینی ها و سوءظن ها در دوران جنگ و یا هنگام ترس از حملات خارجی - در ایالات متحده و دیگر کشورها - چندان غیرعادی نیست. اما سال ۲۰۰۸ را نمی توان با سال ۲۰۰۲ مقایسه کرد که ترس و سوءظن در اوج خود بود. سابقه و تجربه های قبلی نیز مهم هستند: هر گروه از مهاجران عمده در ایالات متحده، با میزانی از تبعیض و برخوردهای نامناسب روبرو شده و بر آن غلبه کرده اند.

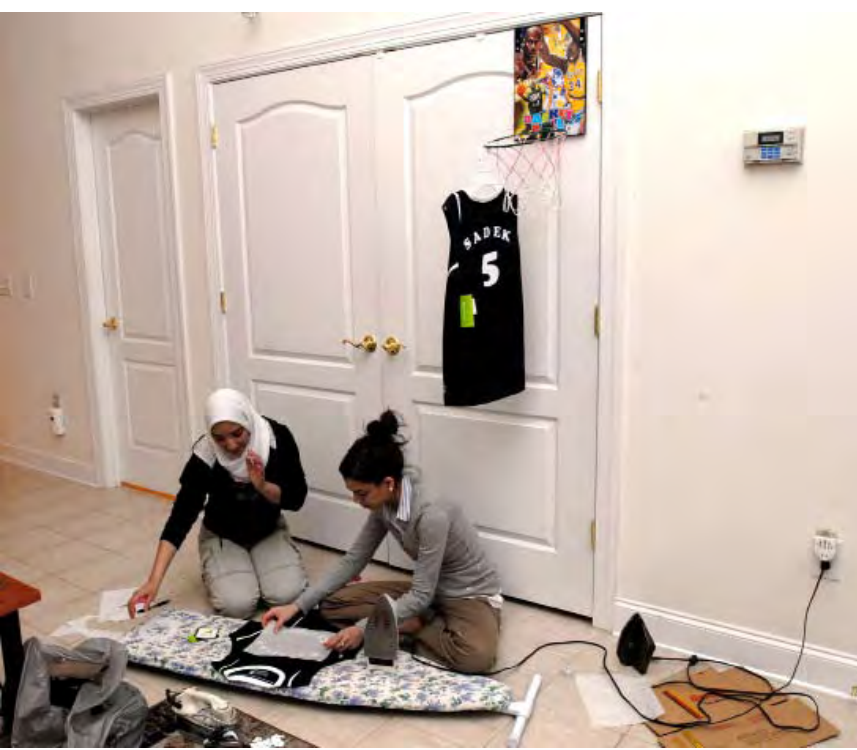
به عنوان مثال، به گفته نیویورک تایمز، نور فاطمه، از آزادی جدید خود در جامعه پاکستانی های نیویورک بسیار خشنود است، جایی که چند سال قبل پس از یازدهم سپتامبر، ترس در آن موج می زد و شرکت ها و مغازه ها و مدارس تعطیل شده بودند. در زمانی که فاطمه به ایالات متحده آمد، پاکستان کوچک تحت مدیریت مایی رضوی، تاجر محلی، بر این مشکلات غلبه کرده بود. رضوی به راه اندازی کلاس های زبان انگلیسی و کامپیوتر کمک کرد، یک ساختمان برای انجمن ها را افتتاح کرد، و رهبران جامعه پاکستان کوچک تحت مدیریت او توانستند با مقامات فدرال دیدار کرده و روابط خود را با آنها بهبود بخشند.

تصویر بالا: دانشجویان و مشاوران در فیلادلفیا تصاویری را بر دیوار می کشند که نشان دهنده گوناگونی ادیان میباشند. سمت چپ؛ یاسمین عاسفور، سر کلاس انتصاب های دولتی پیشرفته در دبیرستان مانتین پوینت در نزدیکی فینیکس در ایالت آریزونا دست خود را برای پاسخ دادن به استاد بلند کرده است.





تصاویر از راست به چپ: در ایالت میشیگان، خواهر هالا حزیمی (سمت راست)، به زینب غانم، دانش آموز کلاس پنجم ریاضی درس می دهد. بالا؛ عدنان کاظم از آلبوکرکی در ایالت نیومکزیکو، نحوه صحیح و درست تعظیم کردن را در کلاس اصول و آداب نماز خواندن نشان می دهد. پایین؛ دانش آموزان مدرسه مسلمانان در گرنتا در ایالت لویزیانا طی یک گردش علمی به موزه بین المللی فرهنگ مسلمانان می روند. صفحه مقابل: بالا؛ تیم دبیرستان فوردسان، برای اعلام شروع بازی تیم خود مقابل تیم ویلو ران در دیربورن، میشیگان، آماده می شوند. پایین صفحه سمت راست؛ لیل الکوت، برای حفظ توپ در حال مبارزه با ساشا خفید از تیم هارییل می باشد. سمت چپ؛ روحی برولی (سمت چپ)، و هبا صادق از تیم کارولینا سایکلونز در حال اتو کردن پیراهن های ورزشی خود هستند.





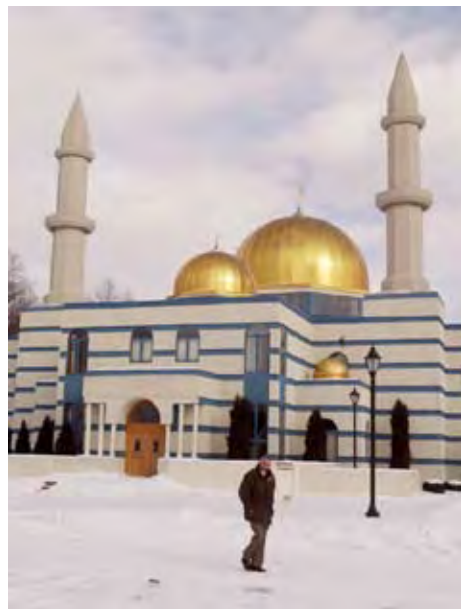
شما با شخصی از یک فرهنگ و تمدن دیگر گفتگو کرده و آشنا می شوید، به عنوان یک انسان رشد می کنید و یاد می گیرید که با دیدگاهی متفاوت به مسایل بنگرید. تنوع و دگرگونی زیبا و دوست داشتنی است."

حملات یازدهم سپتامبر همچنین سبب شد تا جامعه مسلمانان آمریکا حضوری فعالتر در زمینه فعالیت های مدنی و سیاسی داشته باشد، و به دفاع از مسایل مهم و مورد توجه بپردازد، با سازمان ها و انجمن های غیرمسلمان روابطی دوستانه برقرار کند، و با تعصب و اقدامات خشونت آمیز مقابله کند.

بنا به گزارش تایمز، "در راهپیمایی سالیانه روز استقلال پاکستان تعداد بسیار زیادی پرچم آمریکا به چشم می خورد. این یک تغییر و تحول در جوامع مسلمانان مهاجر در کشور آمریکا به شمار می رود."

یکی از اقدام های مناسب و مفید برای از بین بردن تنش های ایجادشده پس از حملات تروریستی، توسعه و گسترش گفتگوی بین ادیان در ایالات متحده بوده است.

کریمه داوود، دانشجوی مقطع دکترا در رشته زبان و ادبیات عربی در دانشگاه جورج تاون، که به عنوان یک شهروند سفیر داوطلب در وزارت خارجه آمریکا فعالیت کرده است، گفت: "هر بار که

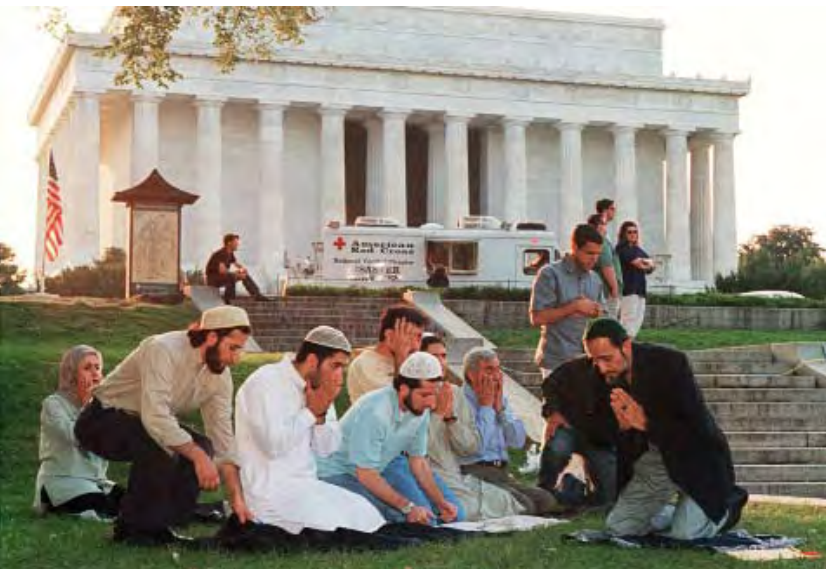


صفحه مقابل: محمد حمود در مسجد مرکز اسلامی آمریکا در شهر
 دیربورن میشیگان نماز می خواند. این صفحه: از بالا به پایین؛
 مریم موتالا در مرکز اسلامی هاوترون ایالت کالیفورنیا نماز
 می خواند. یک پسر بچه می خواهد همراه با نمازگزاران در مرکز
 اسلامی نیوجرسی مرکزی در ایالت نیوجرسی نماز بخواند. مرکز
 اسلامی کلیوند، در شهر پارما در ایالت اوهایو دارای بیش از
 ۳۰۰ نفر شکرگذار می باشد.



این صفحه: بالا؛ بچه‌ها در مسجد برای نماز حاضر می‌شوند. پایین؛ زنان شکرگذار در مسجد الرحمن در ایالت کالیفورنیا. صفحه مقابل از بالا به پایین؛ مسلمانان در مقابل بنای یادبود لینکلن در واشنگتن دی سی نماز می‌خوانند. جمعی از مردان حاضر در اجلاس انجمن اسلامی آمریکای شمالی در شهر شیکاگو در ایالت ایلنویز.

نفیس سید، نویسنده و ویراستار از دانشگاه هاروارد، در یک تفسیر در تارنمای گفتگوی آزاد altmuslim.com می گوید: "حضور و مشارکت فعالانه در سیاست، نشان دهنده این حقیقت است که آمریکاییان مسلمان بخشی از بافت جامعه آمریکا هستند، و همچنین تاکیدی بر مواضع میهن دوستانه آنها در قبال این کشور است."



سید با نقل قول آزاد از پرزیدنت جان اف کندی گفت: "مساله این نیست که مشارکت در فعالیت های سیاسی چگونه می تواند به آمریکاییان مسلمان کمک کند، بلکه مساله این است که آمریکاییان مسلمان چگونه می توانند به این کشور کمک کنند."

مانند سایر نقاط جهان، در ایالات متحده نیز بخش عمده جمعیت آمریکاییان مسلمان را سنی ها تشکیل می دهند، گرچه تعداد بسیار زیادی از شیعیان و پیروان طریق صوفی ها نیز در آمریکا زندگی می کنند. پال برت، نویسنده کتاب *اسلام آمریکایی: تلاش برای روح یک مذهب در سال ۲۰۰۷*، می گوید: "علی رغم این تنوع، تفاوت ها و تمایزاتی که احتمالاً در هر کشور دیگری برجسته تر بودند، به علت پلورالیسم عمیقی که مشخصه جامعه آمریکا به شمار می رود، در ایالات متحده نامحسوس تر هستند... بسیاری از مهاجران به این علت از کشورهای دور دست به ایالات متحده آمده اند، که از خصومت ها و دشمنی های دیرینه موجود در دنیای قدیم فرار کنند، تحصیلات خود را ادامه دهند، به وضعیت اقتصادی بهتری دست یابند، و آینده ای بهتر برای فرزندان خود فراهم کنند."



عقاید و باورهای مترقی و پیشرو، اعطای نقشی برجسته تر به زنان، و حتی تکامل اخیر "مساجد اعظم" که از لحاظ ابعادی مانند کلیساهای بزرگ مسیحیت هستند، از مشخصه های اسلام منحصر به فرد آمریکایی به شمار می روند که به سرعت در حال توسعه و تکامل می باشد.

بارت در یک مصاحبه در تارنمای altmuslim.com گفت: "من متوجه شده ام که مسلمانان در آمریکا به شیوه های بسیار متفاوتی دین خود و پیشینه های نژادی خود را با عرف و باور عمومی موجود در کشوری که به آن مهاجرت کرده اند، وفق می دهند. نمی توان هیچ فرمول و راهکار خاصی را ارایه کرد، همان گونه



که هیچ فرمول و راهکاری برای گروه های مهاجر در گذشته نیز وجود نداشته است... من اطمینان دارم که همسان سازی و تطبیق مسلمانان تنها به یک شیوه نخواهد بود، بلکه شامل شیوه های متفاوتی خواهد بود."



گالری روزهای ویژه عکس



تصویر بالا: سمت راست؛ نوال دود، در جشن مراسم تکلیف قرآن را بالا نگه داشته تا دختران از زیر آن رد شوند. سمت چپ بالا؛ حافظ الزبیر علامتی را در ویترین مغازه در معرض دید قرار می دهد و از مردم می خواهد که در رأی دادن شرکت نمایند. سمت چپ پایین؛ لیلا حلوانی (سمت چپ) و نادیا شیخ، دانشجویان دانشگاه راتجرز، در یک میهمانی در ساختمان مرکز همزیستی خاورمیانه - که هر دو در آنجا زندگی می کنند - شرکت می کنند.



این صفحه: سمت راست بالا؛ یک گروه از دختران جوان در پترزسون، نیوجرسی در مراسم سالیانه افطار مسلمانان آمریکایی پیش از نماز خواندن افطار می کنند. سمت راست پایین؛ غذای حلال برای مراسم روز شکرگذاری ایالات متحده در شهر سینت لویز ایالت میزوری تهیه شده است. سمت چپ بالا؛ فواد یعقوب در حال سخنرانی در مراسم روز موج در ایالت کالیفورنیا. سمت چپ پایین؛ مردان عید فطر را به هم تبریک می گویند. صفحه مقابل: دانشجویان مسلمان فارغ التحصیلی خود از دانشگاه وندربیلت در نشویل، تنسی را جشن می گیرند.

"من متوجه شده ام که مسلمانان در آمریکا به شیوه های بسیار متفاوتی دین خود و پیشینه های نژادی خود را با عرف و باور عمومی موجود در کشوری که به آن مهاجرت کرده اند، وفق می دهند. نمی توان هیچ فرمول و راهکار خاصی را ارایه کرد، همان گونه که هیچ فرمول و راهکاری برای گروه های مهاجر در گذشته نیز وجود نداشته است... من اطمینان دارم که همسان سازی و تطبیق مسلمانان تنها به یک شیوه نخواهد بود، بلکه شامل شیوه های متفاوتی خواهد بود."

- پال برت



چهره‌های



آمریکایی



موفقیت و درخشش مسلمانان جوان

ردیف بالا از راست به چپ: امام خالد لطیف؛ فیلم ساز لینا خان؛ هنرمند هبا امین. ردیف پایین از راست به چپ: بازرگان موسی شایب؛ طراحان لباس نایلا هاشمی و فاطمه مونکوش؛ ترانه سرا کریم سلامه؛ گوینده خبر کابیران خالد. صفحه مقابل: "دختر ایشابری" کار هبا امین.



هنرمند هبا امین



هبا امین، هنرمند معاصر ۲۸ ساله، تا آنجائی که به یاد می آورد در حال طراحی بوده

است، ولی دنبال کردن هنر به صورت تمام وقت تا زمانی که او دانشجوی سال سوم بود، به ذهنش نرسیده بود. در آن زمان، امین، که هم اکنون در مینیا پولیس زندگی می کند، در رشته ریاضیات درس می خواند و در نظر داشت که معمار شود.

امین در قاهره، مصر به دنیا آمده و بزرگ شده است. پدر مرحوم او طراح داخلی بود؛ و مادرش، کارمند اداری در یک مدرسه خصوصی آمریکائی بود که امین هم از مقطع کودکستان تا سال دوازدهم در آن درس می خواند.

پس از دبیرستان، امین به ایالات متحده سفر کرد تا در دانشکده مک آلستر، دانشگاه خصوصی هنر آزاد در سنت پل، مینه سوتا، به تحصیلات خود ادامه دهد. در سال سوم دانشگاه، امین متوجه شد که اشتیاق وی در زمینه هنر است، نه ریاضیات، و در سال ۲۰۰۲ یک مدرک لیسانس در رشته هنر استودیو، با تمرکز بر نقاشی رنگ روغن، کسب کرد.

وی به فائق اویس، سردبیر دایرة المعارف هنرمندان آمریکائی عرب تبار، گفت، زندگی در ایالات متحده به او این امکان را داده است که "نقش مشاهده گر خارجی را

داشته باشد" و چشم او را نسبت به پرمایگی فرهنگ مصری و عرب بگشاید که او "قبلاً یا آن را نادیده می گرفت و یا بی اهمیت می پنداشت."

به مدت چندین سال، آثار امین در مورد پرتره های زنان عرب بدوی بود، که به گفته او "بخاطر کارهای دستی سوزن دوزی و منجوق دوزی شده اشان معروف هستند." اتحادیه اروپا برنامه ای را برای حفظ این صنایع دستی برای طراحی کرده است، و بودجه این کار را تأمین کرده و زنان مسن تر را به آموزش این هنرها به جوانتر ها تشویق کرده است. من به این مسئله علاقه مند شدم و در کنار قبیله های مختلفی ماندم تا شاهد روند کار باشم. همچنین من شاگرد یک هنرمند عرب بدوی شدم که نقاشی های شنی خلق می کرد.

در زمانیکه امین وقت خود را با قبیله های مختلف بدوی می گذراند، متوجه شد که بیشتر از آنکه علاقه مند به کارهای دستی آنها باشد، علاقمند به شیوه زندگی آنها شده است.

او به یاد می آورد، "من مبهوت میزان تعلق آنها به محیط اطراف و زمینهایشان بودم، و چقدر ناراحت کننده بود که فرهنگ آنها به خاطر وسعت مناطق شهری و مدرنیزه شدن در حال سقوط و ویرانی بود.

امین با کشیدن پرتره زنان عرب بدوی به رنگهای روشن همراه با نقش و نگارهای هندسی شهری در کنار یکدیگر کار خود را شروع کرد. او گفت: "این نقش و نگارها نقاشی ها را تحت کنترل خود درآورد، که نشان دهنده این است که چگونه شهر، فرهنگ



مسئله او را به راه متفاوتی کشاند.

او گفت: "من متوجه شدم که نقاشی کمی محدود است. من نمی توانستم آن حسی را که به دنبالش بودم به طور واقعی بازگو کنم. من می خواستم به سمت چیزی بروم که بیشتر تجربی بود. هنر نصب به من امکان خلق فضائی برای ابراز عقاید حسی ای که به دنبالشان بودم داد." آثار امین در تعدادی از گالری های مینیا پولیس، نیویورک، و واشنگتن به نمایش گذاشته شده است.

او در وب سایت خود نوشت: "من به زیربنای شهر به عنوان بازنمایی از پیشرفت جامعه نگاه می کنم. طراحی شهری نشانی از وضعیت سیاسی جامعه می باشد، و من علاقمند هستم که در شهرهای خاورمیانه که زیربنای اقتصادی مانع و فشار سنگینی بر زندگی روزمره مردم است، بررسی های انجام دهم. من علاقمند هستم تأثیر شهر را بر فضای شخصی بدانم، جائیکه آغاز اولویت و تقدم ساختار شهر بر فردیت و شروع تداخل ساختمان ها و انسان ها و پوشیده شدن یکی توسط دیگری در عوض هم زیستی با یکدیگر می باشد."

او نوشت: "منظور ساده از این نصب ها آن است که این عقیده را که محیط اطراف یک شخص در رفتارش تأثیر بسزائی دارد، به نمایش گذارد."

در ادامه کارهای نصبی امین، به تازگی کتابی را که شرح حال زنان مسلمان در تاریخ می باشد، با عنوان "زنان استثنائی از دنیای مسلمان" مصور کرده است.

علیرغم موفقیت هنری اش، امین از اینکه برای تأمین زندگی اش وابسته به هنرش باشد، خوشش نمی آید. او گفت: "من بر روی فروش آثارم تمرکز نکرده ام. و این مسئله مرا از زیر اجبار خلق آثارم آنطوری که مردم می خواهند آزاد می سازد. من ده سال است که در دانشکده هستم و نهایتاً مایل هستم در دنیای دانشگاهی باقی بمانم."

او گفت: "من علاقه زیادی به زندگی در ایالات متحده دارم. من علاقه زیادی به محیط دانشگاه دارم، جائیکه



بدوی را تحت سلطه خود درمی آورد."

به تدریج، نقاشی های عرب بدوی امین، او را به مسیر هنری دیگری، یعنی به سمت نصب قطعات سه بعدی، کشاند. او توضیح داد: "همانطور که پرتره می کشیدم، متوجه شدم که واقعاً به شکل ساختار شهری علاقمند هستم."

بار دیگری که امین در قاهره بود، گفت: "من تعدادی کارهای ساختمان سازی نیمه کاره و رها شده را دیدم - مقدار زیادی زمین گرانیتمی که توسط ساختمان های ناتمام پوشیده شده بود. من از این ساختمان ها عکس انداختم، و بعد شروع به یک سری کار بر روی آنها کردم، در موردشان تحقیق کردم. آنها چه بودند، چرا رها شده بودند، تأثیر آنها بر روی مردم."

امین مجذوب این فکر شد که به شهر، به عنوان یک ایده احساسی نگاه کند، تا به عنوان یک ایده ساخت و ساز، و این

تصویر بالا: قطعه نصب شده "تکان عمیق" توسط هبا امین

برای بررسی و کندوکاو ایده هایم و چگونگی ابراز آنها وقت دارم."



امام خالد لطیف



امام خالد لطیف
در ۲۵ سالگی
مسئولیت های رهبری
مهمی را به عنوان

مشاور و مدیر مرکز اسلامی دانشگاه نیویورک و مشاور
مسلمان اداره پلیس نیویورک بدست آورده است.

لطیف گفت: "مسلمانان دانشگاه و اداره پلیس بسیار متفاوت
هستند، ولی آنها همچنین به عنوان مؤسسات آمریکایی با
جمعیت های مسلمان رو به افزایش که سعی دارند راه خود
را بیابند بسیار مشابه هستند."

لطیف عمیقا به گفتگوی میان مذاهب و خدمات به جوامع
به عنوان بخش هایی لازم از آنچه مسلمان بودن در جهانی
مدرن و چند فرهنگی بدان معناست متعهد است. او گفت
هر یک از این روابط متقابل می تواند موقعیتی برای رشد
معنوی باشد.

لطیف به عنوان رهبر مرکز اسلامی دانشگاه نیویورک
که به سرعت رو به رشد است، برنامه بلند پروازانه را
طرح ریزی می کند که امیدوار است به او کمک کند تا
پرسنلی تمام وقت استخدام کند و در عرض ۳ تا ۵ سال

نیز یک متخصص ساکن محل تعیین نماید.

با این حال لطیف هرگز فراموش نمی کند که پیش از
هر چیز رهبر معنوی یک جمعیت جوان و متنوع است. اکثر
افراد این جمعیت، دانشجویانی هستند که در جستجوی یافتن
راه معنوی خود در زندگی به عنوان مسلمان و همزمان با
چالش های افراد جوان در سن دانشگاه رفتن در هر جایی
مواجه هستند.

در سال ۲۰۰۷ او دومین روحانی مسلمان اداره
پلیس نیویورک بود. لطیف که با روحانیون کاتولیک،
پروتستان، و یهودی همکاری می کند تا کنون چندین بار به
بیمارستان ها فراخوانده شده است تا افسران نظامی مجروح و
خانواده هایشان را تسلی دهد که اتفاقا هیچ یک از آنها مسلمان
نبوده اند.

لطیف که فرزند والدینی پاکستانی بود در ادیسون
نیوجرسی بزرگ شد. او در مدرسه یکی از معدود دانش
آموزان مسلمان بود. ولی در روالی که در طول زندگی اش
ادامه داشته است، لطیف که در مدرسه نماینده شورای دانش
آموزی و کاپیتان تیم های فوتبال هر دو مدرسه اش بوده
است، همچنین در جستجوی سمت های رهبری دیگری بود

کاوش در مذهب

لطیف در مطالعات خاورمیانه و مطالعات اسلامی از
دانشگاه نیویورک فارغ التحصیل شد و کاوش خود در مذهب
و نقشش به عنوان یک مسلمان آمریکایی در یکی از نواحی
شهری که شاید بیشترین تنوع قومی و مذهبی در دنیا را
دارد، ادامه داد.

او همچنین پی به تنوع فوق العاده اسلام برد. او گفت:
"به عنوان دانشجوی سال اول با یک فرد اندونزیایی که
ریشی نامرتب و یک تخته موج سواری داشت آشنا شدم. این
چیزی جدید بود ولی من همچنین با مسلمانانی آشنا شدم که
آمریکایی- آفریقایی تبار یا آفریقایی بودند و نیز مسلمانانی
که به آیین اسلام گرویده و یا فرزندان آنها بودند.

در حول و حوش همان زمان لطیف به عنوان اولین مشاور مذهبی مرکز اسلامی دانشگاه نیویورک داوطلب شد. او همچنین در تدریس تنش زدایی در "بینش ابراهیم" یک سازمان میان مذهبی اسلام و یهودیت برای جوانان همکاری کرد.

در سال ۲۰۰۶ لطیف سمتی نیمه وقت به عنوان اولین مشاور مذهبی دانشگاه پرینستون در نیوجرسی را پذیرفت و دیری نپایید که بین دو دانشگاه پرینستون و نیویورک در رفت و آمد بود. هر دو دانشگاه سمت های تمام وقت به او عرضه کردند و لطیف پیشنهاد دانشگاه نیویورک برای مدیریت مرکز اسلامی اش را پذیرفت.

مشاور مذهبی دانشگاه

از بسیاری جهات، لطیف در دورانی که جمعیت رو به رشد دانشجویان مسلمان، همراه با شمار زیاد دانشجویان بین المللی، نیاز به مشاوران مذهبی در دانشگاه را به شدت افزایش داده است، یک پیشگام بشمار می رود.

یکی از موفقیت آمیزترین کارهایی که لطیف انجام داد، تقریباً یک فکر ثانوی بود: پخش اینترنتی خطبه های ۲۰ دقیقه ای جمعه هایش بطور پادکست. دوستی پیشنهاد کرد که آنها ضبط شوند و به تارنمای مرکز اسلامی فرستاده شوند.

واکنشی که در برابر این عمل نشان داده شد بسیار بیش از انتظار بود. به طور متوسط ماهانه ۱۵,۰۰۰ بار از این تارنما دیدار می شود. او شوندهایی از ۴۰ تا ۵۰ کشور متفاوت، به ویژه اندونزی و مالزی دارد و همچنین پیام های قدردانی از معلمان مدرسه و پیروانش در اروپا دریافت می کند.

لطیف تعهدش به فعالیت های میان مذهبی را برای ماموریتش مانند یک امام مذهبی در زندگی چند فرهنگی امروز مهم تلقی می کند. لطیف گفت: "کار میان مذهبی می تواند گاه مایوس کننده باشد و نیاز به زمان و تلاش فراوان دارد."



لطیف در طی سال های دانشگاهش مطالعه غیر رسمی خود درباره اسلام را ادامه داد و در ۱۸ سالگی متقاعد شد که اولین خطبه خود را ایراد کند. او گفت: "خطبه نسبتاً خوب پیش رفت و از من خواسته شد که به طور منظم در دانشگاه موعظه کنم."

در سال ۲۰۰۵ پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه نیویورک، لطیف وارد برنامه آموزش روحانیون اسلامی در دانشکده الهیات غیر فرقه ای هارتفورد در کاننیکات شد که تنها برنامه معتبر از نوع خود بود.

تصویر بالا: تصویر روی جلد مجله نیوزویک از مسلمانان آمریکایی گوناگون است. خالد لطیف در وسط این عکس با کلاه و لباس انتیفورم پلیس خود مشاهده می شود.

او از سفری به نیو اورلئان با اعضای مرکز اسلامی و مرکز یهودی برنفرمان، برای کمک به امداد رسانی پس از طوفان کاترینا به عنوان مثالی خوب یاد می کند.

او گفت کار کردن و زندگی کردن با هم در طول دوره ای از زمان باعث شد که آنها عدم اعتماد خود را کنار بگذارند "و همگی یاد گرفتند که دانشجویان را برحسب دین یا گذشته خود به عنوان "دیگری" خطاب نکنند."

لطیف گفت: "این یک تغییر واقعی و موثر است، تغییری که می تواند در عرصه وسیع تر جامعه متجلی شود."

یک ژاکت کرم رنگ سنگین به تن دارد، یک شمشیر ۶۰ سانتی نینجا را کشف کرده و با نگاهی شیطنت آمیز بر روی صورت گرد و رنگ پریده اش آنرا از نیام بیرون کشیده می گوید: "این به درد می خورد."

گرچه این فارغ التحصیل ۲۴ ساله دانشکده فیلم شباهت چندانی به یک فیلم ساز ندارد بدین معنی که او جوان، زن، مسلمان معتقد و یک سرخپوست آمریکایی است اما فیلم های کوتاه و ماهنگ می نویسد و کارگردانی می کند و نیز آگهی تجاری برای رستورانی به نام "کریو" ساخته است (در یک آگهی تجاری، یک نینجا سمبوسه های چرخان پرتاب می کند).

خان برای فیلم کوتاه یک دقیقه ای به نام باسم سعی می کند، برنده یک جایزه ۵ هزار دلاری شد. این فیلم به شوخی نشان می دهد که چگونه یک مرد مسلمان آمریکایی سعی می کند خود را با همه چیز تطبیق دهد - برای نمونه با گوش دادن به موسیقی هیپ هاپ که با صدای خیلی بلند از رادیوی اتومبیلش پخش می شود. فیلم کوتاه سه دقیقه ای او به نام سرزمینی به نام بهشت که در اصل ماهنگی بود که روی آهنگی به همین نام به خوانندگی کریم سلامه، خواننده ای از یک کشور مسلمان گذاشته شده بود، جایزه ۲۰ هزار دلاری "وان نیشن" را به دست آورد. وان نیشن نام یک گروه مدافع مسلمان است که بودجه مسابقه فیلم سازی را تأمین کرد. خان تعداد زیادی زن و مرد با پیشینه مختلف را برانگیخت که تابلوهای دست نویسی را حمل کنند که حاوی پیام هایی است که می خواهند مردم جهان درباره آنها به عنوان آمریکایی های مسلمان بدانند. برخی از نوشته ها شوخی آمیز، مانند: "من هم از ویکتوریا سکرت خرید می کنم" و برخی دیگر جدی هستند، مانند: "خواهر من در ۱۱ سپتامبر کشته شد."

یکی از داوران مسابقه ۲۰۰۷ وان نیشن به نام کریم عبدالجبار که پیشتر بازیکن حرفه ای بسکتبال بوده، به فیلم سرزمینی به نام بهشت به خاطر "زبان سینمایی زیبای آن" امتیاز بالایی داد، در حالیکه ماریان پرل، روزنامه نگار،



فیلم ساز

لینا خان



در یک بعد از ظهر داغ ماه اوت در لوس آنجلس، لینا خان راهروهای "هند پراپ روم"، شرکتی که لوازم صحنه را برای

فیلم های مشهور هالیوود مانند هوانورد و رفتگان تأمین می کند را با دقت از نظر می گذراند. قفسه ها پر از لاشه های مصنوعی، بوداهای برنزی تایلندی، ابزار، دستگاه ها و اشیاء عجیب و غریبی هستند که به ساختن جادوی سینما کمک می کنند. خان که یک روسری سبز کم رنگ به سر و

این فیلم را " به خاطر نو بودن و حس شوخ طبعی و در عین حال توجه به احساسات عمیقی که جامعه مسلمانان و بقیه ما داریم" ستود.



خان به خاطر دارد که کار سرزمینی به نام بهشت، کار مهمی بود. این پروژه با یک پرسش شروع شد: "اگر می توانستی به هرکسی در جهان که مسلمان نیست چیزی بگویی چه می گفتی؟" او گفت: "من ایمیل های متعددی فرستادم، به مساجد رفتم، از هر فهرست خدمات اسلامی مهمی که به فکرم رسید استفاده کردم."

نخستین پاسخی که خان دریافت کرد این بود: "اسلام مرا از فکر کردن به خودکشی باز می دارد." او گفت: "آنجا بود که دانستم این همان فیلمی است که می خواهم بسازم. به این موضوع فکر نکرده بودم. من سعی داشتم اعتراض های مسلمانان را نشان بدهم اما فکر نمی کنم بتوانم از طرف همه آنان سخن بگویم. و این نخستین سرنخ من بود. من ۲۵۰۰ پاسخ دریافت کردم، آنها را دسته بندی و محدود کردم و فیلم را ساختم."



پس از پخش این ویدیو، خان صدها ایمیل از کسانی دریافت کرده است که می گویند این فیلم آنان را به گریه انداخته است، به آنان برای گفتگو درباره اسلام با خانواده شان یا شکستن دیوارهایی که کلیشه ساخته اند انگیزه داده است. این فیلم درهای حرفه ای را به روی او گشوده است، مانند ملاقات با مورگان اسپرلاک، مستند ساز. شورای امور عمومی مسلمانان طی مراسم ضیافت شامی در هالیوود از او به عنوان فیلم سازی که فیلم هایش باید مورد توجه قرار گیرد قدردانی کرد.



خان که فارغ التحصیل دانشکده فیلم دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس است گفت: "اگر من در این مسابقه شرکت نکرده بودم تا به حال هیچ پیشرفتی نکرده بودم."

خان به سینما به عنوان گونه ای عمل گرای اجتماعی که آنرا اصل مهمی از مذهبش می داند، علاقه مند شد.



تصاویر از بال به پایین: تصویری از فیلم "باسم سعی می کند". سه تصویر از فیلم "سرزمینی به نام بهشت". صفحه مقابل: لینا خان در حال فیلم برداری صحنه ای از "باسم سعی می کند"

از آنجا که او به زودی ازدواج می کند، انتظار می رفت که یک حلقه نامزدی با نگین الماس را قبول کند، اما خان می گوید: "من نمی خواستم با صنعت الماس هیچ سرو کاری داشته باشم، الماس های خونین. واقعا خیلی دردناک است." پدر و مادر من می گویند: "چرا تو آنقدر غیر منطقی هستی؟ برو یک انگشتر الماس بخر. آن قدرها هم مهم نیست. اما من فکر می کنم کار خیلی مهمی است. این آزمونی است برای اینکه ببینید می توانید دارایی های خودتان را برای دیگران فدا کنید." او به جای الماس، یک انگشتر با نگینی از سنگ موسانیت انتخاب کرد.

و هنگام فیلم برداری خارج از استودیو، او اصرار دارد از افرادی به عنوان مسئول تدارک غذا استفاده شود که فقط مرغ محلی می پزند. خان گفت: "برادرم همیشه مرا دست می اندازد و مرا لیزا سیمپسون می نامد که به خواهر روشنفکر و شل و وارفته مجموعه کارتون آمریکایی خانواده سیمپسون اشاره می کند."

خان در دوران دانشجویی که در رشته علوم سیاسی و تاریخ در دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس تحصیل می کرد دریافت که دانشجویان فقط هنگامی که فیلمی درباره نسل کشی مثلا در رواندا و دارفور می دیدند، یا اگر یک بازیگر قضیه را تبلیغ می کرد به موضوع علاقمند می شدند. او از دیدن فیلم های هالیوود مانند محاصره و سقوط هلیکوپتر سیاه نیز که از تصاویر برای ربط دادن تروریسم به وضو و اذان استفاده می کنند خسته شده است.

خان گفت: "این چیزها مرا آزار می داد. بنا براین تصمیم گرفتم به جای شکایت کردن وارد میدان شوم و کاری انجام دهم. من می خواستم فیلم هایی درباره مسائل اجتماعی بسازم زیرا به نظر می رسد فیلم بهترین راه برای بیان یک داستان است. آنجاست که مردم واقعا گوش می دهند و با کسانی که آن مسائل را تجربه می کنند رابطه برقرار می کنند." او برای ادامه تحصیل در مقطع فوق لیسانس در فیلم سازی به دانشگاه کالیفرنیا، لوس آنجلس رفت.

در شرکت هند پراپ روم، خان در جعبه ای پر از شورایکن یا ستاره [نوعی اسلحه مخفی مورد استفاده] نینجاها جستجو می کند. او به محض انتخاب وسایل [مورد استفاده در فیلم خود]، سوار تویوتا پرایوس قرمز رنگ و خاک گرفته اش می شود و در جاده های تپه های هالیوود بسوی شرکت لباس های غربی و جستجوی ماسک ها و لباس های نینجا می رود. علاوه بر آگهی تجاری نینجا، پروژه بعدی او شامل مجموعه ای از آگهی های بازرگانی درباره انتخابات ریاست جمهوری و نماهنگ دیگری برای سلامه می باشد.



اما وقتی از یک فیلم شخصی ۴۰ دقیقه ای که او در حال ساخت آن است سخن به میان آمد او فقط گفت: "آنها انتظار چیزی برجسته و مردم پسند را دارند. بنابراین من کمی احساس فشار می کنم." این به خان بستگی دارد که چه اعجازی خلق کند.

ویدیوی با اسم سعی می کند و سرزمینی به نام بهشت را می توانید در تارنمای [YouTube.com](https://www.youtube.com) تماشا کنید.



بازرگان

موسی شعیب



گویی که صحنه ای در یک فیلم باشد. مردی جوان، فرزند مهاجران، بسیار موفق در تحصیلاتش، به یک دانشکده معتبر حقوق می رود و شغلی را در یک دفتر وکالت برجسته به دست می آورد. سپس یک روز به رستورانی که مادرش سال ها در آنجا به عنوان آشپز کار کرده است می رود، دستکش هایش را در می آورد، و می گوید: "مادر، بیا برویم خانه. دیگر هرگز نیازی به کار کردن نخواهی داشت."

ولی این یک فیلم نیست. قسمتی از داستان زندگی موسی شعیب ۲۸ ساله است که اکنون شرکتی را اداره می کند که هزاران خانواده را از اینکه خانه های وامی خود را از دست بدهند، نجات داده است.

شعیب گفت: "مهم ترین چیز این است که به مردم کمک کنم تا در خانه های خود بمانند - این هیجان انگیزترین چیز برای من است."

تحصیلات و اشتغال

شعیب در بیروت، لبنان به دنیا آمده است و برخی از نخستین خاطرات زندگی او مربوط به هول و هراس

و زندگی عجیب یک کودک در طی دوران جنگ است. او بعدها در تقاضای پذیرش در دانشکده حقوق نوشت: "چنین تجربه هایی در من اشتیاقی راسخ برای جستجوی علم و عدالت ایجاد کردند."

خانواده شش نفره شعیب وقتی او ۷ ساله بود به ایالات متحده مهاجرت کردند. آنها ابتدا در تولیدو در اوهایو ساکن شدند و سپس در دیربورن در میشیگان. وقتی پدر شعیب برای اولین بار سگته کرد، مادرش به عنوان یک آشپز تمام وقت در یک رستوران مشغول به کار شد.

او گفت: "مادر من هرگز شکایت نکرد. مادرم گفت: پدرت نمی تواند کار کند، پس من کار خواهم کرد." و مشغول شغلی سخت با حداقل درآمد شد... تنها چیزی که به ما می گفت این بود که بر درس هایمان تمرکز کنیم و اطمینان حاصل کنیم که کمک هزینه تحصیلی ورود به یک دانشگاه را بدست می آوریم. "چون پول برای دانشگاه چیزی است که من برایتان در این لحظه از زندگیمان ندارم." شعیب با رتبه شاگرد اولی از کالج آلبیون در میشیگان فارغ التحصیل شد، جایی که وی انجمن دانش آموزان مسلمان را تأسیس کرد. او سپس وارد دانشکده حقوق کلمبیا در شهر نیویورک شد، و در آنجا به عنوان عضو هیئت مدیره "انجمن دانشجویان مسلمان رشته حقوق" فعال بود.

تنها پناه شعیب از فشارهای بی امان کار و درس ورزش بود - به ویژه فوتبال آمریکایی. او در تقاضای پذیرش خود در دانشگاه حقوق نوشت: "در زمین بازی موانعی را که زبان، فقر و نژاد قبلا بر من تحمیل کرده بودند دور می انداختم."

دنیای حقوق

دانشکده حقوق برای شعیب چالش انگیز بود. او گفت: "ترکیب دانشکده و شهر بزرگ تکان بزرگی بود. و کلمبیا رقابت جویانه ترین محیطی بود که تا آن زمان در آن قرار گرفته بودم."

در آن آشپزی کرده بود رفت و هدیه استعفای ابدی از کار کردن را به او داد.

ولی شعیب در آنجا ماند و موفق شد. او در سال ۲۰۰۴ از موسسه عرب - آمریکایی جایزه ای دریافت کرد و به عنوان کارمند دفتری یکی از اعضای دیوان عالی نیویورک مشغول به کار شد.

در سال ۲۰۰۵، شعیب به شرکت حقوقی معتبر پرسکاور رز در نیویورک ملحق شد. او تجربه تجاری و حقوقی بدست آمده از آنجا را ارج می نهد. او برای کسب و کار و تجربه حقوقی در آنجا ارزش قائل شد - اگر چه می دانست که دنیای شرکت های بزرگ در آینده بلند مدت



او نقشی نخواهند داشت. او گفت: "یکی از عواملی که مرا به شرکت پروسکائر هدایت کرد این بود که این شرکت بزرگترین شرکت یهودی در دنیا است. هدف من ساختن پل میان جوامع متنوع مان است."

او گفت: "والدینم بسیار برای ما فداکاری کردند. آنها بخاطر فرزندانشان از داشتن یک زندگی خوب در لبنان گذشتند. و من می خواستم آنها بدانند که این فداکاری ها ارزشمند بوده است." در سال ۲۰۰۶، شیب به خانه اش در دیربورن برگشت تا شرکت خود، LoanMod.com، را راه اندازی کند. این شرکت قراردادهای وام خانه ها را از نو تنظیم می کند تا از ضبط شدن خانه های وامی، به گونه ای که به نفع صاحبان خانه ها و بانک یا موسسه مالی وام گذار باشد، جلوگیری کند.

با تغییر دادن موفقیت آمیز وام رهنی -- معمولاً با کاهش ساده نرخ سود -- خانواده در خانه خود باقی می ماند و بانک هم از هزینه بالای تصاحب یک ملک وام شده، اجتناب می ورزد. شیب بر این باور است که شرکتش اولین شرکت در نوع خود در کشور است. او گفت: " ما پیشتر از این کسب و کار بوده ایم، ما کار خود را با کمک به عمویم و دوستان دیگر آغاز کردیم، و تشخیص دادیم که نمونه کاری عملی و موفق در اختیار داریم." این شرکت بیش از ۵,۰۰۰ توافق موفقیت آمیز را تکمیل کرده است و به خانواده ها اجازه داده است خانه های خود را نگه دارند و به بانک ها کمک کرده است که از هزینه های بالای ضبط خانه های وامی اجتناب کنند. این شرکت پیش بینی می کند تا پایان سال ۲۰۰۹ بتواند شرایط ۲۰,۰۰۰ وام را تغییر دهد.

نگاه به آینده

شایب در نظر دارد تعداد کارمندان خود را به بیش از ۱۰۰ نفر برساند تا بتواند نیاز روز به افزایش خدماتش را برآورده کند. در حالیکه دولت بر روی وام دهندگان و تأمین کنندگان خدمات وامی برای تغییر مجموعه کار خود فشار وارد می کند تا به صاحبان خانه کمک شود از توقیف خانه هایشان اجتناب ورزند، Loanmod.com با داشتن شبکه ای از ۱۹,۰۰۰ سردفتر در تمامی ۵۰ ایالت در

حفظ خانه ها

در اکتبر ۲۰۰۵ شعیب با پشت سر گذاشتن دانشکده حقوق تصمیم گرفت که روزی که مدتها در انتظارش بوده است فرا رسیده است. او به رستورانی که مادرش سال ها

تصویر بالا: موسی شعیب (وسط) در کنار خانواده اش در روز مراسم جشن فارغ التحصیلی از دانشگاه حقوق.



طراحان لباس

نایلا
هاشمی
و
فاطمه
مونکوش



نایلا هاشمی، ۲۳ ساله، و فاطیما مونکوش، ۲۵ ساله، زنانی استثنایی هستند که وجوه مشترک زیادی با یکدیگر دارند. آنها در کنار هم به عنوان دو دوست صمیمی در هاتفورده، کانکتیکات بزرگ شدند. هر دوی آنها دارای پدران مسلمان اهل جنوب آسیا و مادران آمریکایی هستند که به اسلام گرویده اند.

و هم اکنون، هر دوی آنها خود را متعهد به طراحی پوشاک شیک کرده اند که شیوه ای جدید را در اختیار زنان مسلمان می گذارد تا آنها بتوانند در پوشش خود هم تابع مد روز باشند و هم پوشیده و باحجاب.

این دو امیدوارند که خط تولید لباس جدید خود را، به نام "ایوا خورشید" راه اندازی کنند. اگرچه این طراحان بازار خاصی را برای لباس های خود در نظر دارند، ولی امید دارند که بتوانند نظر تعداد زیادی از مشتریان بالقوه را نیز جذب کنند.

هاشمی گفت، " نام خط تولید ما به عنوان نامی اسلامی شناخته خواهد شد، ولی هر زنی می تواند در لباس های ما زیبا شود. وی این خط تولید را به عنوان "پوشاکی برای زنان

موقعیت خوبی قرار گرفته است. او گفت: "حقوقدانان ما صاحبان منازل را در فرایند وام دهی راهنمایی می کنند، و سردفتران ما به درستی به آنها کمک می کنند تا کار های دفتری را روی میز آشپزخانه آنها انجام دهند." شعیب گفت: " کمک به مردم برای حفظ مهم ترین چیز مادی در زندگیشان، بهترین پاداش است. وقتی خانه ای را نجات می دهید به محله، جامعه و در نهایت کل کشور کمک می کنید."

شعیب مشتاقانه در انتظار تغییراتی در محیط خانه اش نیز هست. دخترش که سوفیا جون نام دارد در سال ۲۰۰۸ به دنیا آمد. شعیب و همسرش ناتالی، که نیمه لبنانی و نیمه سرخپوست است، در یک محله دیربورن بزرگ شدند.

شعیب گفت: "من خوش شانس هستم ... و بی تردید واقعاً مورد لطف خدا قرار گرفته ام ولی همچنین دریافته ام که هر چه بیشتر کار کنم، خوشبخت تر می شوم."



موسی شعیب همراه با ناتالی، همسرش و سوفیا جون، دخترش

شاغل ۲۵ تا ۳۴ ساله با سبک زندگی شلوغ پر شتاب" توصیف کرد.

وضع دشوار پوشاک

هاشمی و مونکوش اولین بار در دوران نوجوانی توجه شان نسبت به طراحی لباس جلب شد. خانواده هاشمی در سال ۱۹۹۵ به پاکستان نقل مکان کردند. در آن زمان وی ده ساله بود، با این حال، وی ایام تابستان خود را در کانکتیکات می گذراند. (خانواده وی بعد از حمله های تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ برای همیشه به آمریکا بازگشتند).

هاشمی گفت، "وقتی در آن تابستان که ۱۳ ساله بودم به آمریکا بازگشتیم، من با یک شوک فرهنگی عظیم روبرو شدم. من متوجه تفاوت بین فرهنگ نوجوانان آمریکایی و پاکستانی شدم. والدینم از من می خواستند که تدریجاً پوشیده تر لباس بپوشم، زیرا داشتم بزرگ می شدم. من می خواستم مثل بقیه بچه ها لباس های جذاب و زیبا بپوشم، ولی در مغازه ها هیچی پیدا نمی کردم." مونکوش هم تجربه ای مشابه داشته است. وی گفت، "پیدا کردن لباس حاضری و دوخته ای که بتوانم بپوشم واقعاً مشکل بود. مونکوش با خنده گفت، دخترها اغلب به استفاده از لایه های پارچه ای مختلف لباس ها متوسل می شدند، که "بهترین دوست دختران مسلمان بود."

هاشمی و مونکوش هر دو از مادرانشان دوزندگی را یاد گرفتند. مونکوش گفت، "مادرم به من یاد داد که یک نقش و الگو را دنبال کنم و همچنین بتوانم آن الگو را تغییر دهم تا طرح کاملاً جدیدی به وجود بیاورم، طریقی که من دقیقاً به دنبالش بودم. من در سن ۱۶ سالگی شروع به درست کردن تمامی لباس های خودم کردم. در تابستان همان سال بود که نایلا و من مسیر و هدف خود را مشخص کردیم."

لباس های راحت

هر دو زن تعریف خاص خود را از پوشش و جامه مناسب ارائه دادند. هاشمی توضیح می دهد، "من در خانه و خانواده

سمت چپ: عکس های فاطمه مونکوش برای مجله اعلان.

ای بسیار محتاط و محافظه کار بزرگ شدم، و والدینم در مورد پوشیدن لباس پوشش سر، سخت و جدی بودند. من در نهایت راه حلی برای راحتی خودم و آنها پیدا کردم. من لباس های آستین کوتاه، ولی نه خیلی کوتاه و یا خیلی چسبان می پوشم. هر کسی درجه راحتی خود را دارد."

مونکوش در مورد شیوه خودش گفت: "مسئله قوانین نبود، بلکه آن چه که به نظر درست می آمد، بود. در مورد خودم، من قصد ندارم با یک بلوز تنگ یا یک پیراهن کوتاه این طرف و آن طرف بروم — من خودم اینطوری راحت نیستم. من موهایم را می پوشانم و این کار را از سن ۱۴ سالگی انجام داده ام."

بزرگ شدن در یک خانواده مختلط

مادر نایلا هاشمی در یک خانواده کاتولیک بزرگ شده است. پدر نایلا، پاکستانی است، که در سال ۱۹۷۰ به ایالات متحده آمد و هم اکنون شهروند ایالات متحده است. هاشمی گفت، "مادرم در حال تحصیل بود تا بتواند پرستار شود و در همین زمان با پدرم، که جراح قلب بود، آشنا شد. مادر من آن چنان تحت تأثیر پدرم قرار گرفت — زیرا پدرم خیلی مهربان و بخشنده است — که متمایل به مذهب وی شد و تغییر مذهب داد." هاشمی به همراه سه خواهر و بردارش روزهای یکشنبه در مدرسه اسلامی واقع در هارتفورد حضور می یافتند.



عقیده آنها در مورد پوشاک، برانتخاب نام برای خط تولیدشان نیز اثر گذاشته است. هاشمی توضیح می دهد، "ایوا نام مادر بزرگ مادری فاطیما، و خورشید اسم مادر بزرگ پدری من است." مثل طرح هایشان، این نام نیز به وجود آمده از دو فرهنگ می باشد.

هاشمی و مونکوش هنوز از مشاغل روزانه خود استعفا نداده اند، ولی امیدوارند که مجموعه اشان بتواند پاسخگوی نیازی در صنعت پوشاک باشد. هاشمی گفت، "ما می خواهیم در کار خود بزرگترین و بهترین باشیم. این خط تولید مثل نام های تجاری دیگر نخواهد بود."

پدر مونکوش اهل بنگلادش است. وی در سال ۱۹۷۱ به ایالات متحده آمد تا نزد یکی از خویشاوندانش در ویرجینیای غربی بماند. مادر مونکوش نیز در زمانی که رفته بود یکی از دوستانش را ببیند، با وی آشنا شد، و وی، نیز، قبل از ازدواج با پدر مونکوش به اسلام گروید.

ورود به جهان مُد

مونکوش، بعد از پایان تحصیل در دبیرستان دولتی، به "دانشگاه کانکتیکات" و "دانشگاه ایالتی کانکتیکات مرکزی" رفت، و در آن جا در رشته هنر تحصیل کرد. وی بعد از فارغ التحصیلی به نیویورک نقل مکان کرد و در همان اولین تابستان با هاشمی، که دانشجوی "مؤسسه مُد تکنولوژی (اف آی تی)" بود، یک آپارتمان گرفت.



هاشمی، با داشتن مدرک کارشناسی از "اف آی تی"، در شرکت الی طاهری، طراح اسرائیلی مشهور، کاری در قسمت طراحی و درست کردن پلیورهای زنانه پیدا کرد. مونکوش نیز، در صنعت مُد کار می کند، اول برای "کوجی"، که لباس های مردانه شهری هیپ هاپ درست می کند، و بعد برای شرکت "وابسته به توده مردم"، یک نوع برجسب لبه دوزی برای لباس زنان، کار کرده و هنوز هم در آنجا مشغول است.

هاشمی و مونکوش عصرها و آخر هفته ها کار می کنند تا بتوانند مجموعه تازه کار نوپای خود را جمع آوری کنند. این کار مثل یک مبارزه می ماند — چرا که هاشمی در منطقه کویبنزو مونکوش در بروکلین به

تصویر بالا: فاطمه مونکوش، نفر دوم از سمت راست، و نایلا هاشمی، نفر سوم ایستاده از سمت چپ، در کنار طراحان لباس مسلمان دیگر در عکسی که برای مجله اعلان گرفته شده است.

تنسی گوش می داد.



سلامه در تارنمای خود نوشت: "اوکلاهاما مانند من، جایی است که فرهنگ ها در کنار هم قرار می گیرند و می رقصند. اوکلاهاما ترکیبی از فرهنگ جنوبی، غربی و بومی آمریکاست و به لطف اشتیاق سیری ناپذیر مادرم به آموختن و تجربه کردن چیزهای جدید و نو، من و بقیه اعضای خانواده در آن غرق می شدیم."

مذهب و موسیقی

در عین حال والدین سلامه آموزش مذهبی اسلامی او را فراموش نکردند. با وجود لهجه غلیظ جنوبی و سبک موسیقی آمریکایی، او در مورد اعتقاداتش جدی است و از میراث فرهنگی و مذهبی آن در آثارش کمک می گیرد.

ترانه های او آشکارا نه سیاسی است نه مذهبی بلکه پیشینه جالب او را منعکس می کنند که تارنمای altmuslim.com آنرا "انشعاب دوگانه زندگی" در چشم انداز موسیقی آمریکایی می نامد.

مثلا سلامه در ترانه ای درباره بردباری، ضرب المثلی از شاعر و محقق برجسته مسلمان، امام شافعی نقل می کند که می گوید: "من عود هستم - هرچه بیشتر مرا بسوزانی خوش بوتر می شوم."

او اذعان می کند که الگوی پدرش نگرش و نیز موسیقی او را شکل داده است. "شعار او در زندگی این است: به خودت سخت بگیر و به دیگران آسان."

او فرایند نوشتن یک تصنیف را با ایمان و اعتقاد خود عمیقا درهم تنیده می داند. او طی مصاحبه ای در دانشگاه آیووا گفت: "من پیش و پس از نوشتن یک تصنیف نماز می خوانم. هر کلمه را به دقت انتخاب می کنم. سعی می کنم بسیار صادق باشم و امیدوارم که خداوند این ترانه را در قلب مردم جای دهد."

ترانه سرا

کریم سلامه



برای کریم سلامه خانه یعنی منطقه جنوب غرب آمریکا، جایی

که موسیقی کانتری بخش اعظم نواهای زندگی روزمره را تشکیل می دهد. اما خانه به مفهوم بزرگ شدن در یک خانواده مؤمن مسلمان و مطالعه متون غنی ادبیات و شعر کلاسیک عرب نیز هست.

بنابراین هنگامی که سلامه، ۳۰ ساله شروع به نوشتن و خواندن تصنیف های خود کرد، کاملا طبیعی بود که او قریحه ای را که در اعتقادات اسلامی اش ریشه داشت با صدایی پر جذبه و لهجه متمایز جنوبی به هم بیامیزد، حتی اگر برخی این تلفیق را شگفت انگیز بدانند.

اوکلاهاما و موسیقی

والدین سلامه از مصر به اوکلاهاما مهاجرت کردند و در آنجا او و دو برادر و خواهرش را بزرگ کردند. سلامه در کودکی به رودنو (نمایش گاوچران ها)، بازارهای محلی و جشن های سرخ پوستان می رفت و به آهنگ سنتی بلوگراس و موسیقی کانتری در مکان هایی مانند برانسون، میسوری و گراند اوله اوپری، برنامه رادیویی افسانه ای در نشویل،

می‌هالوپولوس با گیتارش او را همراهی کرد.

ارتباطات با موسیقی کانتری

سلامه با ظاهر آراسته، مدل موی سنتی و کلاه کابوئی سیاه محلی - کلاسیک خود، می‌داند که مردم ممکن است به خاطر عجیب بودن یک خواننده موسیقی کانتری مسلمان به دیدن برنامه‌های او بیایند. او امیدوار است که آنان جذب آهنگ‌های او شوند و بمانند.

دیدگاه سلامه درباره موسیقی کانتری ممکن است تعجب آور باشد به خصوص برای کسانی که فقط با گرایش غالب تجاری آشنا هستند که به سوی غزل‌هایی گرایش دارند که عشق‌های بر باد رفته هانکی تانک و آزاد را می‌ستایند.

سلامه در مصاحبه با تارنمای altmuslim.com گفت:

"در موسیقی کانتری نوعی روح وجود دارد ... چیزی که از اعماق برمی‌آید ... می‌توانید هنوز آهنگ‌های خیلی قدیمی و خیلی سنتی را در آن بشنوید."

در واقع سلامه از سنتی بسیار قدیمی‌تر که به ریشه‌های به اصطلاح بلوگراس از منطقه آپلاچی جنوب شرق آمریکا گوش فرا می‌دهد، کمک می‌گیرد.

سلامه ادبیات انگلیسی را نیز مطالعه کرده است، به ویژه شعر عرفانی مشهور جان دان (۱۶۳۱-۱۵۷۲) "یک وداع: صبح هراس انگیز" که سلامه برای آن آهنگی نوشت تا بتواند آن را حفظ کند.

ساختن و اجرای موسیقی

سلامه در عین نوشتن ترانه‌ها و غزل‌ها به تحصیل در رشته مهندسی در دانشگاه اوکلاهاما و سپس حضور در دانشگاه حقوق دانشگاه آیووا نیز پرداخت که در آنجا با ارسطو می‌هالوپولوس موسیقی دان ملاقات کرد.

در یک لحظه واقعاً آمریکایی، پسران مهاجران مصری و یونانی تصمیم گرفتند در زمینه موسیقی کانتری با یکدیگر همکاری کنند. در طی چند سال آتی، سلامه در برابر شنوندگان عمدتاً مسلمان در آمریکا و اروپا آواز خواند و



شاید او موفق شود. سلامه در تابستان ۲۰۰۸ در سفر به اروپا برای شنوندگان مشتاق مسلمان و غیر مسلمان در لندن، برلین، پاریس (در یورو دیسکی)، رم، ژنو و آمستردام برنامه اجرا کرد.

نخستین آلبوم سلامه به نام صلح بزرگ در سال ۲۰۰۶ و یک سال پس از آن آلبوم این زندگی من به بازار آمد. ترانه او با نام "سرزمینی به نام بهشت" موسیقی متن نماهنگی شد که تنوع و شور زندگی جامعه مسلمانان آمریکا را ستایش می‌کرد. این اثر برنده یک جایزه شد.



گوینده خبر

کایران خالد



به گفته مادرش وقتی کایران خالد کودک بود، درون جعبه ای مقوایی می نشست و به بیرون نگاه می کرد - خالد گفت: "به گونه ای که

اگر چه در تلویزیون حضور نداشتم گویی به معنی واقعی کلمه در درون یک تلویزیون بودم" از آن پس خالد که اکنون ۳۵ سال دارد، حرفه ای را به عنوان یک خبرنگار، تولید کننده و گوینده اخبار تلویزیون دنبال کرده است که او را از گزارشگر اخبار محلی تا پوشش خبری رویدادهای اخبار مهم ملی و بین المللی پیش برده است.

او گفت: "من اولین زن پاکستانی - آمریکایی بودم که در آمریکا گوینده اخبار تلویزیون شد. اگر در این باره اشتباه می کنم دلم می خواهد پیشگام واقعی این کار را ببینم زیرا به من گفته شده است که کسی پیش از من این مسیر را طی نکرده است."

بزرگ شدن در تگزاس

پدر خالد در دهلی نو در هند به دنیا آمد و مادرش در کراچی پاکستان، ولی خالد در حومه شهر هوستن در تگزاس، بزرگ شد جایی که پدرش به عنوان بساز و بفروش مشغول به کار بود.

او هم اکنون بر روی یک آلبوم تجاری اجرای اول کار می کند که بهترین برنامه ها را از دو آلبوم نخست و چندین آهنگ جدید برجسته و بازنمایی می کند.

اما سلامه به طور خاص بر خوانندگی متمرکز نشده است. او که دانشکده حقوق را به اتمام رسانده، قصد دارد برای امتحانات پروانه وکالت آماده شود و علاقمند به فعالیت در رشته حقوق ثبت اختراعات است.



او برخی از افکارش را درباره موسیقی اش بر روی صفحه مای اسپیس خلاصه کرده است: "امیدوارم که کلمات من به گوش ها و قلب هایی برسد که در جستجوی همان چیزی هستند که من در جستجوی آنم ... الهام بخش یک زندگی پرهیزکارانه که مورد رضای خداوند باشد."

تصویر بالا: کریم سلامه در کنسرت، برلن ۲۰۰۸



او از کودکی به خبرنگاری علاقه مند بود. او گفت: "علاقه ام از طریق عشق به نوشتن شعله ور شد. از کودکی اغلب مشغول نوشتن داستان بودم."

خالد، مانند ۲ برادر و خواهرش در مدرسه، دانش آموز ممتازی بود. فعالیت درسی خوب خواهر و برادرها در مدرسه به آنها کمک کرد بر سختی تنها خانواده اقلیت بودن در این جامعه کوچک فائق آیند.

او گفت: "اغلب موقعیت به گونه ای بود که صرفاً باید می پذیرفتی که دنیا بدین گونه است و من به خاطر آن برخوردهای اولیه خوشحالم زیرا مرا برای واکنش های پس از ۱۱ سپتامبر آماده کرد."

اخبار محلی تلویزیون

خالد از دانشگاه تگزاس در رشته خبرنگاری فارغ التحصیل شد. در آنجا شیفته فوریت کار تلویزیونی و این فکر که با گزارش اخبار داغ و تازه در تلویزیون ظاهر شود، گردید. (رجوع کنید به: بازدید کنندگان دانشجو به دنیای در حال تغییر خبرنگاری می اندیشند.)

او در سال ۱۹۹۶ کار خود را برای ایستگاه محلی CBS در کورپوس کریستی تگزاس آغاز کرد، شغلی که هم هیجان انگیز بود هم دلهره آور. کورپوس کریستی موقعیت های

خبری فراوانی فراهم می کرد - طوفان ها، قاچاق مواد مخدر و مهاجرت - ولی تجهیزات این ایستگاه بسیار قدیمی بود که کار را سخت می کرد. او گفت: "با وجود این، من از کار در جلوی دوربین لذت می بردم و می دانستم می توانم آنرا به خوبی انجام دهم."

خالد در ایستگاه تلویزیون دیگری در لیک چارلز لوئیزیانا موقعیتی برعکس آن یافت: پیشرفته ترین تجهیزات ممکن ولی محیط خبری نسبتاً ساکت و آرام. او اظهار داشت: "من به سختی کار کردم و گوینده خبر آخر هفته شدم."

او همچنین در محله خود مشهور شد. او با خنده گفت: "راه رفتن در یک مرکز خرید مانند ظاهر شدن در صحنه تئاتر بود، گویی همه مرا می شناختند."

در شهر موبایل در آلاباما خالد ۴ یا ۵ بار در روز در تلویزیون ظاهر می شد ولی دریافت که بسیار خسته شده است. "احساس می کردم به دور خودم می چرخم. "او تصمیم گرفت زندگی پر مخاطره تر و آزادانه تر روزنامه نگار مستقل را تجربه کند."

خالد گفت با نگاه به گذشته "خوشایندترین جنبه اخبار محلی گزارش تحقیقات کالای مصرفی است. مسئول نگه داشتن کسب و کارها و افراد ناباب برای اعمالشان از نگاه دوربین تلویزیون یک خدمت اجتماعی است که اخبار محلی فراهم می کند ولی اغلب نادیده گرفته می شود. او افزود: فشارهای مختلف در زمینه ترجیح دادن اخبار داغ و تازه بر گزارشهای ارزشمند و متفکرانه بسیار شدید است"

خبرنگار مستقل

در سال ۲۰۰۵ خالد گزارشی از زندگی سخت کشاورزان

تصویر بالا: کایران خالد در سال ۲۰۰۵ در آفریقا در در هنگام تهیه گزارش در گل گیر کرده است. صفحه مقابل: مساحیه با جان میبر در جشن موسسه خیریه محافظت از موسیقی در سال ۲۰۰۷.

فقیر در نیجریه و مالی که فحطی آنها را تهدید می کرد، تهیه نمود. فیلم مستند او به نام "فاصله گرسنگی" در جشنواره فیلم سازمان ملل متحد به مرحله نهایی راه پیدا کرد.

در ایالات متحده، خالد به عنوان تولید کننده برای اخباری بسیار متفاوت یعنی در Court TV که موارد دادگاهی عمده جنایی و مدنی را تحت پوشش قرار می داد، فعالیت داشت.

خالد همچنین عضوی فعال در "انجمن خبرنگاران جنوب آسیا" (SAJA) شد. خالد گفت "من به نقش خود در در میان کارکنان SAJA بسیار افتخار می کنم. دوست دارم با سازمانی کار کنم که تا این حد به نظر خبرنگاران جوان با برنامه هایی مانند راهنمایی و اعطای بورسیه کمک می کند. (رجوع کنید به: رسانه های خبری مستقل برای دموکراسی در سراسر دنیا مهم هستند.)



او که به زبان اردو مسلط بود به پاکستان سفر کرد و یکی از اولین خبرنگاران غربی بود که از درون مدارس مذهبی پاکستان که بسیاری آنها را متهم به تشویق تروریسم می کردند، گزارش تهیه کند.

در سال ۲۰۰۷ خالد برای خطرناک ترین ماموریتش به پاکستان برگشت: تهیه فیلمی مستند به عنوان "ما آزاد نیستیم" درباره سانسور رسانه ها و حملات به خبرنگاران توسط دولت مشرف در پاکستان.

او در مصاحبه ای با Asia Media گفت: آنچه مرا واقعاً شگفت زده کرد شجاعت مردم بود که حاضر بودند امنیت خود را برای دستیابی به آنچه که به نظر آنان فراخوانی ارزشمند است در معرض خطر قرار دهند. (رجوع کنید به: روز جهانی آزادی مطبوعات از خبرنگاران در معرض تهدید دفاع می کند.)

از ژانویه ۲۰۰۸ خالد به عنوان تولید کننده یکی از محبوب ترین برنامه های خبری و اصلی تلویزیون برنامه Good Morning America در شبکه ABC کار کرده است.

او گفت: "من از فشرده گی و جدیت کار خوشنودم که می تواند به معنی تهیه یک داستان درباره قیمت گاز در یک روز و درباره رقابت های انتخاباتی ریاست جمهوری ۲۰۰۸ در روز دیگر باشد."

او گفت: "GMA به من این امکان را داده است که داستان هایی را بنویسم و تولید کنم که میلیون ها نفر می بینند. من امیدوارم که تا ۱۰ سال دیگر همچنان بر روی داستان هایی مرتبط با مردم که در خدمت هدفی والا هستند کار کنم."

پاکستان و آمریکا

پس از حملات تروریستی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ خالد بلافاصله متوجه شد که "پاکستان به زودی در معرض توجه عموم قرار خواهد گرفت پس باید فوراً دست به کار می شد در غیر این صورت هرگز نمی توانست از آن ماجرا داستانی تهیه کند.



مسلمانان آمریکا تصویر آماری

ناگزیر از برهه زمانی تطابق پذیری عبور می کنند.

تخمین جمعیت مسلمانان آمریکایی آسان نیست زیرا مرکز آمار آمریکا اطلاعات مربوط به وابستگی های مذهبی را جمع آوری نمی کند. تخمین ها از ۲ میلیون تا ۷ میلیون نفر متفاوت است. اما، واضح است که جمعیت مسلمانان آمریکایی در نتیجه مهاجرت، بالا بودن میزان زاد و ولد، و تغییر مذهب با رشد فزاینده ای مواجه است.

بر اساس مطالعه انجام گرفته توسط "مرکز تحقیقاتی PEW" در سال ۲۰۰۷، ۶۵ درصد جمعیت مسلمانان آمریکا را مهاجران نسل اول تشکیل می دهند و ۶۱ درصد متولدین

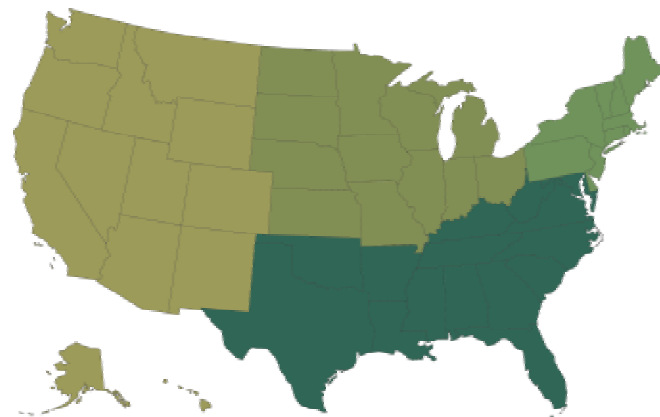
جمعیت مسلمان امروز آمریکا تلفیقی خارق العاده از گروه های نژادی، زبانی، ایدئولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، و مذهبی است. مسلمانان بومی آمریکا به خوبی در جامعه آمریکا ادغام شده اند، در صورتی که بسیاری از تازه واردها در حال تطبیق با زندگی آمریکایی هستند. در زمینه دلبستگی مذهبی، مسلمانان از بسیاری افراد متعصب تا میانه رو و سکولار متغیرند. مسلمانان در این واقعیت که: اکثریت آنان به دنبال ادغام کامل سیاسی و اجتماعی هستند و دیگران ترجیح می دهند اساسا در بافت جوامع و فعالیت های فرهنگی خود زندگی کنند، به مسیحیان، یهودیان، هندی ها، و دیگر جوامع مذهبی آمریکا شباهت دارند. بسیاری از مهاجران از کشورهای دارای اکثریت مسلمان آمده اند و با فراگرفتن روش های جامعه کثرت گرا،

پراکندگی مسلمانان از نظر سن و جنسیت در آمریکا



٪۲۹	سن ۱۸ تا ۲۹
٪۲۸	سن ۳۰ تا ۴۹
٪۱۸	سن ۵۰ تا ۶۴
٪۵	سن ۶۵ به بالا
٪۵۴	مرد
٪۴۶	زن

مسلمانان ایالات متحده در چه مناطقی زندگی می کنند؟



٪۳۲	جنوب
٪۲۹	شمال شرقی
٪۲۲	غرب میانه
٪۱۸	غرب

سطح تحصیلات

مردم	مسلمانان	عموم مردم	مسلمانان	عموم مردم
٪۱۷	٪۱۶	۱۰۰,۰۰۰ دلار	٪۱۰	٪۹
٪۱۱	٪۱۰	۷۵,۰۰۰ دلار - ۹۵,۰۰۰ دلار	٪۱۴	٪۱۶
٪۱۶	٪۱۵	۵۰,۰۰۰ دلار - ۷۴,۹۹۹ دلار	٪۲۳	٪۲۹
٪۲۳	٪۲۴	۳۰,۰۰۰ دلار - ۴۹,۹۹۹ دلار	٪۳۲	٪۳۰
٪۳۳	٪۳۵	کمتر از ۳۰,۰۰۰ دلار	٪۲۱	٪۱۶

روز طول بکشد، در انتظار بوده اند.

تخمین در مورد جمعیت سیاه پوستان مسلمان آمریکایی از حدود یک پنجم تا یک سوم کل مسلمانان آمریکا متغیر بوده است. دیگر گروه های نژادی عمده عبارتند از عرب ها و اهالی آسیای جنوب شرقی (هند، پاکستان، بنگلادش، و افغانستان).

اگرچه بیشتر آمریکایی ها اسلام را اساسا با عرب ها می شناسند، دو سوم آمریکایی های عرب را، مسیحیان تشکیل می دهند. هرچند، بیشتر مهاجران عرب از زمان جنگ جهانی دوم مسلمان بوده اند، و مسلمان ها دارای

در خارج، در دهه ۱۹۹۰ و یا دهه کنونی وارد آمریکا شده اند. ۷۷ درصد از مسلمانانی که در آمریکا زندگی می کنند شهروند این کشور هستند، و ۶۵ درصد از متولدین خارج نیز تابعیت این کشور را دارند. برای مقایسه، ۵۸ درصد از متولدین خارجی چینی که در آمریکا زندگی می کنند تابعیت این کشور را دارا هستند.

مطالعه ای که اخیرا توسط مرکز حقوق بشر و عدالت جهانی در دانشکده حقوق دانشگاه نیویورک انجام گرفته است نشان داده است که بسیاری از مسلمانان در میان جمعیت بیش از ۴۰ هزار نفری بودند که بیش از سه سال برای تصمیم در مورد درخواست تابعیت خود، فرآیندی که نباید بیش از ۱۸۰

اهمیت مذهب در زندگی شما به چه میزان است؟ (تمامی مذاهب)



٪۷۲	بسیار مهم
٪۱۸	نسبتاً مهم
٪۵	نه چندان مهم
٪۴	اهمیت ندارد
٪۱	نمی دانم

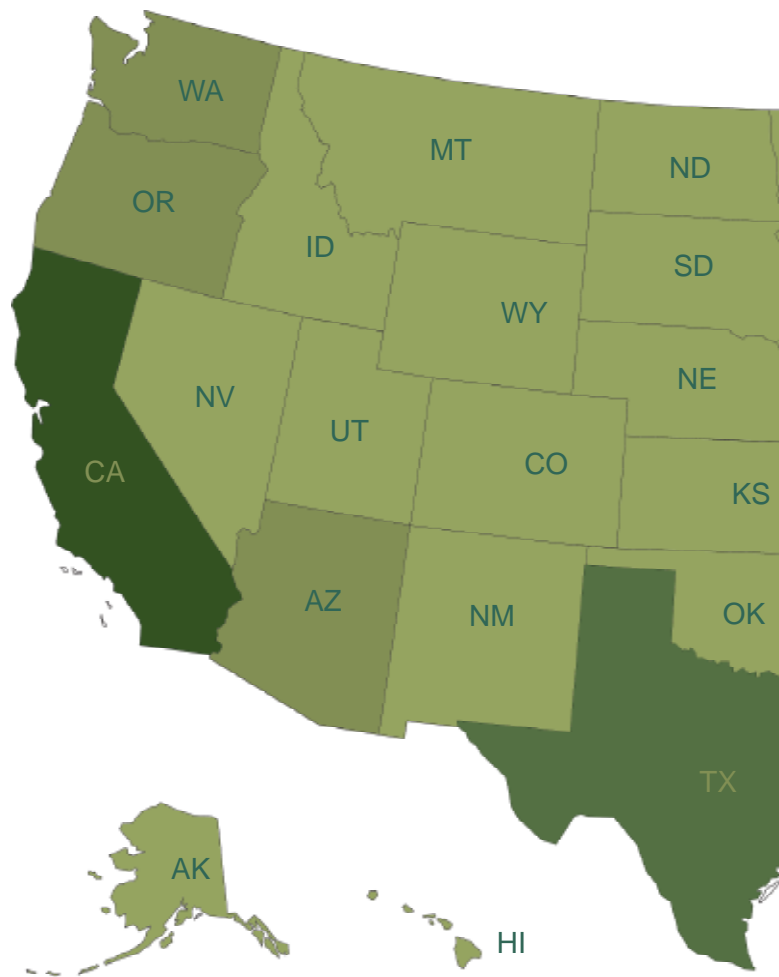
مساجد در آمریکا بر اساس گروه نژادی غالب



٪۲۸	جنوب آسیایی
٪۲۷	آمریکایی های سیاه پوست
٪۱۶	آفراد آسیای جنوبی و عرب. ترکیب به صورت برابر
٪۱۵	عرب
٪۱۴	دیگر ترکیب های نژادی

به خوبی خود را در میان افراد با درآمد بالا نشان داده اند. این موضوع بیشتر به دلیل تمرکز بالای مسلمانان در زمینه های حرفه ای، مدیریتی، و فنی، به خصوص در زمینه فن آوری اطلاعات، آموزش، پزشکی، حقوق، و دنیای تجارت است. مدارکی در زمینه کاهش حقوق مردان مسلمان و عرب از سال ۲۰۰۱ وجود دارد، اگرچه داده های جدیدتر نشان می دهند که این رویه در حال تغییر است.

مهاجرت آمریکایی های مسلمان به دلیل آن که بخشی از دو تجربه حیاتی آمریکایی های سیاه پوست و مهاجران در آمریکا است، منحصر به فرد به شمار می آید. مسلمانان مهاجر و مسلمانان آمریکایی سیاه پوست برای تثبیت نفوذ و تاثیر خود در سیاست و جامعه، در برخی مواقع به صورت گروهی، اما در بیشتر موارد به تنهایی تلاش کرده اند. در حالی که آنان در هویت مسلمان خود مشترک هستند، موقعیت های نژادی، فرهنگی، اقتصادی اجتماعی، و تاریخی آنان بسیار متفاوت است. در آماده سازی برای دست یابی به حضور سیاسی کامل، مهاجران مسلمان هنوز مطالب زیادی برای فرا گرفتن از موفقیت های مسلمانان سیاه پوست آمریکایی، به ویژه در ایجاد ظرفیت بنیادین و ارتباط موثر با دیگر مردم آمریکا دارند.



سال ۱۹۹۵ در حال جمع آوری اطلاعاتی در مورد مسلمانان در آمریکا است. در ت مختلف وجود دارد. در این جا تعداد مساجد در پایگاه اطلاعاتی IslamiCity. شده برای ناحیه کلمبیا از مرکز اسلامی واشنگتن دی سی است. تعداد کل ۱۰۱۸

RI	رود آیلند	۲	MT	مونتا نا	۲
SC	کارولینای جنوبی	۱۲	NE	نبراسکا	۱
SD	داکوتای جنوبی	۲	NV	نوادا	۳
TN	تنسی	۱۰	NH	نیوهمپشایر	۳
TX	تگزاس	۵۸	NJ	نیوجرسی	۵۶
UT	یوتا	۵	NM	نیومکزیکو	۷
VT	ورمونت	۰	NY	نیویورک	۱۳۱
VA	ویرجینیا	۲۷	NC	کارولینای شمالی	۲۰
WA	واشنگتن	۱۰	ND	داکوتای شمالی	۴
WV	ویرجینای غربی	۳	OH	اوهایو	۴۱
WI	ویسکانسین	۱۳	OK	اوکلاهما	۸
WY	وایومینگ	۱	OR	اورگون	۱۰
			PA	پنسیلوانیا	۴۳

منبع: داده های آماری استخراج شده از "آمریکایی های مسلمان: طبقه متوسط و جریان عمدتاً غالب" مرکز تحقیقاتی PEW، ۲۲ می سال ۲۰۰۷. متن این مقاله از "تحکیم آمریکا: ادغام سیاسی و مدنی مسلمانان آمریکا، شورای امور جهانی شیکاگو ۲۰۰۷ استخراج شده است.

مساجد و جوامع



مسجد ابوبکر (انجمن مسلمانان کلرادو)
شماره ۲۰۷۱، جاده پارکر جنوبی، دنور، کلرادو

انجمن مسلمانان کلرادو با دو تا سه هزار نمازگزاری که هر هفته در نماز جمعه مسجد این انجمن شرکت می کنند، شالوده زندگی اسلامی در دنور به شمار می رود. این انجمن به تازگی پروژه عظیمی را برای دوبرابر کردن فضای اقامه نماز خود اجرا کرده است تا بتواند پذیرای تعداد روزافزون مسلمانان در منطقه باشد. این انجمن که در یکی از شلوغ ترین بزرگراه های منطقه واقع شده است، نقش یک پل ارتباطی در زندگی مدنی مسلمانان، خصوصاً اعضای جوان را ایفا می کند. جوانانی که سن بیشتری دارند یکشنبه ها در مدرسه اسلامی این انجمن به تدریس می پردازند. این انجمن علاوه بر کلاس های روز یکشنبه، از طریق آموزشگاه دیدگاه اسلامی به تدریس مسایل مرتبط با اسلام نیز می پردازد. این آموزشگاه که در آن مسلمانان و غیرمسلمانان از سطح مهدکودک تا کلاس هشتم به تحصیل می پردازند، تاکید زیادی بر آموزش زبان عربی و اطلاعات عمومی اسلامی دارد.



مرکز جامعه اسلامی / مسجد تمپه
شماره ۱۳۱، خیابان ششم شرقی، تمپه، آریزونا

مرکز جامعه اسلامی که درست در شمال دانشگاه ایالتی آریزونا در تمپه، آریزونا قرار دارد، شامل یک مرکز فرهنگی، مسجد و یک مدرسه است و اعضای با بیش از ۷۵ ملیت و با پیشینه های اجتماعی- اقتصادی متفاوت دارد. این مرکز در سال ۱۹۸۴ تاسیس شد تا مکانی برای گردهمایی مسلمانانی باشد که پیش از آن در گروه های کوچک در خانه های خود در این منطقه به عبادت می پرداختند. هر هفته در حدود ۳۰۰ نفر در نماز جمعه حاضر می شوند، اما این مسجد هم در انجمن دانشجویان مسلمان ایالت آریزونا و هم در جامعه در سطحی گسترده تر مشارکتی فعال دارد. این مرکز دارای یک کتابخانه کوچک است که دربرگیرنده کتاب های مرجع در مورد اسلام می باشد و امکان بازدید از این مسجد - که معماری آن الگو گرفته از مسجداقصی در بیت المقدس می باشد - برای عموم بازدیدکنندگان فراهم شده است. این مرکز خدمات اجتماعی مانند مراسم ازدواج و به خاکسپاری را نیز ارائه کرده و همچنین مدرسه اسلامی فینیکس مترو برای دانش آموزان مقطع ابتدایی را نیز اداره می کند.





مسجد ابوبکر صدیق
شماره ۴۴۲۵، جاده خصوصی دیوید، متایری، لویزیانا

معماری مسجد ابوبکر صدیق منحصر به فرد است، زیرا این مسجد تنها مسجد منطقه نیواورلئانز است که به طور خاص به عنوان مسجد ساخته شده است، و دارای گنبدی متشکل از سطوح هندسی و مناره می باشد. ۲۵۰ تا ۳۰۰ نمازگزار این مسجد اغلب جزو نسل های اول و دوم آمریکاییان مهاجر از پاکستان، هند، و خاورمیانه هستند. بیست درصد از افرادی که در مراسم این مسجد حضور می یابند، مهاجرانی هستند که تازه به آمریکا آمده اند و یا کسانی هستند که با تغییر دین خود به اسلام گرویده اند. مسلمانان منطقه مرزی کئر در لویزیانا و بخش اورلئانز از خدمات این مسجد بهره مند می شوند. خوشبختانه این مسجد از طوفان کاترینا آسیب چندانی ندید. اغلب اعضای این مسجد به خانه های خود بازگشته اند و در مراسم این مسجد حضور می یابند.



انجمن اسلامی فلوریدای مرکزی
شماره ۱۰۸۹، جاده گلدن راد شمالی، اورلاندو، فلوریدا

انجمن اسلامی فلوریدای مرکزی در اوایل دهه ۱۹۷۰ فعالیت خود را به صورتی محدود آغاز کرد. اولین مسجد این انجمن به نام مسجدالرحمان - مسجد متعلق به بخشایشگر - در اوایل دهه ۱۹۸۰ ساخته شد. رشد سریع در این منطقه منجر به توسعه این انجمن شد. هم اکنون این انجمن دارای نه مسجد در سرتاسر منطقه بوده و چهل هزار مسلمان از نژادهای مختلف از خدمات آن بهره مند می شوند. این انجمن در سال ۲۰۰۱ مرکز صلح را تاسیس کرد که در راستای از بین بردن تعصبات و پیش داوری ها در مورد مسلمانان و ترویج و توسعه صلح و درک متقابل بین مردم فعالیت می کند. انجمن اسلامی فلوریدای مرکزی همچنین از اتحادیه دانشجویان مسلمان در دانشگاه فلوریدای مرکزی حمایت می کند.





انجمن اسلامی کلان شهر کانزاس سیتی
شماره ۸۵۰۱، خیابان ۹۹ شرقی، کانزاس سیتی، میسوری

گروهی از ساکنان کانزاس سیتی پس از اولین نماز عید فطر در این شهر در اوایل دهه ۱۹۷۰، شروع به برنامه ریزی برای ساخت یک مسجد کردند. ده سال بعد مسجد انجمن اسلامی کلان شهر کانزاس سیتی درهای خود را به روی عموم مردم باز کرد، و فعالیت خود را به عنوان یک مرکز غیرانتفاعی آغاز کرد. این انجمن از آن زمان تا کنون در حال توسعه و گسترش بوده و زمین هایی را برای ساخت یک پارک عمومی و یک قبرستان مسلمانان خریداری کرده است. یک مدرسه تمام وقت اسلامی در سال ۱۹۸۷ در این مرکز افتتاح شد و دارای بیش از صد دانش آموز است. این انجمن برآورد می کند که بیش از هشت هزار مسلمان در منطقه کانزاس سیتی از خدمات آن بهره مند می شود، اما دامنه فعالیت و ارتباط این انجمن دربرگیرنده جامعه غیرمسلمانان نیز می باشد. مردم تشویق می شوند که از این مرکز بازدید کنند، و این مرکز جلسات آموزش در زمینه زبان عربی، اسلام، و مطالعه قرآن را برای عموم مردم برگزار می کند.



مرکز اسلامی آلبانیایی
شماره ۱۹۷۷۵، خیابان هارپر، هارپر وودز، میشیگان

مرکز اسلامی آلبانیایی در سال ۱۹۶۲ و توسط مسلمانان آلبانیایی تبار منطقه دیترویت تأسیس شد. این انجمن که در حومه بخش وین قرار دارد، به صد و پنجاه خانواده از آلبانیایی های توسک و گگا (Tosk and Gega)، و همچنین ایرانی ها، فلسطینی ها، اهالی مالت، عرب ها، و هندی ها خدمات ارائه می کند. شیوه های عبادت همراه با مهاجرت تغییر کرده است. آلبانیایی های توسک که اهل مناطق جنوبی این کشور هستند، به عنوان مسلمانان اصلاح شده و تغییر یافته در نظر گرفته می شوند و از قرن نوزدهم در ایالات متحده زندگی کرده اند. شیوه های عبادت و آداب اجتماعی آنها ساده تر و بدون تشریفات است. آلبانیایی های گیکا که اهل مناطق شمالی آلبانی هستند، در شیوه های عبادت و آداب زندگی خود تأکید بیشتری بر سنت های اسلامی دارند. به موازات تغییر الگوهای مهاجرت، شیوه های عبادت نیز تغییر کرده است.





مسجدالمسلمین (مرکز اسلامی کلمبیا)
شماره ۱۹۲۹، خیابان گروایس، کلمبیا، کارولینای جنوبی

پانصد مسلمان در مسجدالمسلمین در قسمت مرکزی شهر کلمبیا در کارولینای جنوبی به عبادت می پردازند. این مرکز که فعالیت خود را از سال ۱۹۸۱ آغاز کرده است، به علت نزدیکی به دانشگاه کارولینای جنوبی اغلب برای دعوت از چهره های برجسته مسلمان برای سخنرانی در منطقه، با دانشجویان این دانشگاه همکاری می کند. این مرکز خدمات زیادی را به اعضای خود ارائه می کند، مانند کلاس های روز یکشنبه برای کودکان مسلمان در زمینه حفظ کردن قرآن و آموزش تاریخ اسلام، و یک انجمن زنان برای فعالیت های آموزشی، بهداشتی، و اجتماعی. این مرکز که از طریق برنامه ارتباط با زندانیان خود به صورتی فعال در راستای ترویج و توسعه دین اسلام در جامعه تلاش می کند، امیدوار است بتواند کمک های مالی دوران انتقال خود به مسلمانانی که تازه از زندان آزاد شده اند و یا مسلمانانی که تازه وارد این جامعه شده اند را افزایش دهد. همچنین این مرکز قصد دارد یک تعاونی مواد غذایی برای جامعه مسلمانان ایجاد کند.



مسجدالسلام
شماره ۴۰، جاده سالیس هیل، اسمیت فیلد شمالی، رودآیلند

مسجدالسلام که بزرگترین مسجد در ایالت رودآیلند است، در سال ۱۹۹۴ و برای پاسخگویی به نیازهای جمعیت رو به رشد مسلمانان در اسمیت فیلد شمالی تاسیس شد. این مسجد به صورت آشکار از تمامی مسلمانان معتقد به هر یک از گرایش های مذهبی دین اسلام و با هر نژاد و ملیتی استقبال می کند، اما تاکید این مسجد بر کتاب مقدس قرآن و سنت است. این مسجد به شیوه ای دموکراتیک اداره می شود؛ یک کمیسیون شش نفره از اعضای مسجد به مسایل مدیریتی و اجرایی رسیدگی می کنند، اما تمامی موضوعات مهم پیش از اتخاذ و قطعی شدن تصمیم در مورد آنها در انجمن به بحث و تبادل نظر گذاشته می شود. مسجدالسلام در راستای گفتگوی بین ادیان تلاش می کند و به صورتی فعالانه با جوامع مسیحی و یهودی در زمینه برنامه ها و طرح های اجتماعی همکاری می کند. یکی از برنامه های آتی این مسجد همکاری با بیمارستان های محلی برای انجام آزمایش های پزشکی سالیانه، به عنوان بخشی از یک روز آموزش بهداشت برای مردم، می باشد. در حدود ۲۵۰ نفر در نمازهای جمعه این مسجد شرکت می کنند، اما نیازی به عضویت رسمی در این مسجد نیست.



جدول زمانی از رویدادهای مهم



۱۸۹۸

بنا به گزارش روزنامه نیویورک تایمز در بالا، انتشار روزنامه کوکب آمریکا (ستاره آمریکا) که نخستین روزنامه عربی در ایالات متحده بود، در سال ۱۸۹۸ آغاز شد.



۱۷۹۶

پرزیدنت جان آدامز عهدنامه صلح و دوستی را، با بی، امیر ترک تریپولی و اتباع تریپولی ساحل باربری امضاء می کند (۴ نوامبر ۱۷۹۶)



از سال ۱۶۱۹ تا سال های ۱۸۰۰

برآورد شده است که تقریباً ۱۰ میلیون آفریقایی به عنوان برده به آمریکای شمالی آورده شدند. تقریباً ۳۰ درصد آنها مسلمان هستند.



۱۹۰۷

مهاجران تاتار از لهستان، روسیه و لیتوانی جامعه اسلامی آمریکا را به عنوان اولین سازمان اسلامی کشور تلقی کردند.



۱۸۱۹

یارو (ماموت) مارمود که تصویرش در اینجا در سال ۱۸۱۹ نشان داده می شود در میان سالی توسط ارباب خود آزاد گردید. او موقعیت خود را به عنوان صاحب ملک و یک سرمایه گذار بانکی در جورج تاون که امروز بخشی از واشنگتن است تثبیت کرد.



۱۷۷۵

برده سابق پیتر سالم (سلیم) در جنگ بانکر هیل، در تمام مدت انقلاب آمریکا پیکار می کند . مسلمان های آمریکا در تمام جنگ های ایالات متحده با افتخار خدمت کردند.



۱۹۳۴

در سال ۱۹۳۴ الیجاه محمد، رهبر عالی روحانی گروه امت اسلام، یک سازمان ملی گرای آفریقایی - آمریکایی که معتقد به بعضی از اصول اسلامی است، می شود.



۱۹۵۷

مرکز اسلامی واشنگتن، که شامل مسجد و یک مجموعه فرهنگی می باشد، با حضور پرزیدنت دوايت دی آیزنهاور و بانوی اول مامی آیزنهاور، اهداء می شود.



۱۹۱۹

اولین جامعه اسلامی در پارک هایلاند، خارج از دیترویت، در ایالت میشیگان، جایی که بسیاری از مهاجران در کارخانه های اتومبیل سازی کار پیدا کردند، تأسیس شد.



۱۹۲۴

قانون مهاجرت جانسون - رید، سهمیه های ملی را که تعداد مهاجران جدید را شدیداً محدود می کند تحمیل می کند.



۱۹۳۴

مسجد مادر، نخستین ساختمان در آمریکا که به طور ویژه به عنوان یک مسجد ساخته شد، در سدار راپیدز، ایالت آیووا تأسیس شد.



۱۹۰۸

تعداد زیادی از مهاجران مسلمان از قسمت های مختلف امپراطوری عثمانی، از جمله سوریه، لبنان، اردن و ترکیه امروز وارد ایالات متحده می شوند.



۱۹۱۳

نوبل درو علی (۱۹۲۶ - ۱۸۸۶) معبد موریش ساینس را در نیوآرک، ایالت نیوجرسی بنیان گذاشت. این گروه مذهبی ادعا می کند که یک فرقه اسلامی است، ولی با مذهب های زیادی می آمیزد و از آنها تأثیر می پذیرد.



۱۹۹۳

عبدل- راشد محمد اولین قاضی عسگر مسلمان است که در ارتش ایالات متحده منصوب شده است.



۱۹۹۶

برگزاری اولین مراسم عید فطر در کاخ سفید.



۲۰۰۱

خدمات پستی ایالات متحده اولین تمبر یادبود یکی از اعیاد مسلمانان را منتشر کرد. این تمبر ۳۴ سنتی مخصوص عید، بخشی از برنامه های مراسم برگزاری عید است.



۱۹۹۱

مرکز فرهنگی اسلامی در نیویورک کامل شده است. این اولین ساختمانی است که به عنوان مسجد در شهر نیویورک بر پا شده و به طور منظم بیش از ۴۰۰۰ نفر از افراد مؤمن را برای نماز جمعه به سوی خود می کشاند.



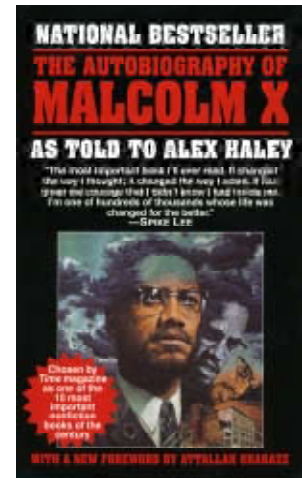
۱۹۹۱

چارلز بلال به عنوان شهردار کونتز در تگزاس انتخاب شده است، و اولین مسلمانی است که یک شهرداری در ایالات متحده را اداره می کند.



۱۹۶۵

پرزیدنت لیندون بی جانسون لایحه مهاجرت و تابعیت سال ۱۹۶۵ را با امضای خود به صورت قانون در می آورد، و سهمیه های بر اساس ملیت قبلی را که در سال ۱۹۲۴ پایه ریزی شده بود لغو می کند و سبب بر انگیزته شدن مهاجرت غیر اروپائیان به آمریکا می شود.



۱۹۶۵

زندگی نامه شخصی مالکم ایکس که در فوریه ۱۹۶۵ بلافاصله پس از قتل وی به چاپ رسید، داستان مردی را باز گو می کند که در محتوای وسیع تری از تجربه آفریقایی- آمریکای به اسلام گروید. این کتاب همچنان یکی از کتاب های پر نفوذ قرن بیستم باقی ماند.



۲۰۰۵

اولین انجمن ملی زنان مسلمان در ایالات متحده، گاما ماما چی، توسط یک تیم مادر و دختر به نام های ایمانی عبدالحق و دکتر علثیا اف علی به منظور ارائه تصویر بهتری از زنان مسلمان و به طور کلی اسلام افتتاح شد.



۲۰۰۶

کیت الیسون اولین مسلمانی است که بعنوان یکی از اعضای مجلس نمایندگان از مینه سوتا در کنگره آمریکا انتخاب شد.



۲۰۰۸

امام واریت دین محمد در سال ۲۰۰۸ فوت کرد. او معروف به "امام آمریکا" بود و نخستین مسلمانی بود که در سال ۱۹۹۰ در مراسم نیایش مجلس سنا، شرکت کرد. او همچنین در مراسم نیایش بین مذاهب، به دعوت بیل کلینتون شرکت کرد و به نیایش پرداخت و طبق برنامه دعوه به مسجد کرز رفت.



۲۰۰۷

پرزیدنت جورج دبلیو بوش در مراسم پنجاهمین سالگرد مرکز اسلامی واشنگتن شرکت کرد.



۲۰۰۶

اینگرید متسون که در کانادا به دنیا آمده است به عنوان اولین زن رئیس انجمن اسلامی شمال آمریکا انتخاب شده است



ضمیمه ای برای

مسلمانان آمریکا

آیا می دانستید؟



شصت و پنج درصد جمعیت مسلمانان آمریکایی ، اولین نسل مهاجر هستند و شصت و یک درصد از سال ۱۹۹۰ به بعد به آمریکا آمده اند .

بنابر ارقام گزارش شده سال ۲۰۰۷ توسط آژانس تبلیغاتی JWT ، مسلمانان آمریکایی سالانه در حدود ۱۷۰ میلیارد دلار برای مواد مصرفی خرج می کنند ، و انتظار می رود این رقم افزایش یابد .

شامهای افطاری در طول ماه رمضان در " کاخ سفید " از اواسط سالهای ۱۹۹۰ به برنامه ای منظم و دائمی تبدیل شده است .

یک امام و پیشوای دینی می تواند ایفا کننده نقشهای مختلف متعددی در ایالت متحده باشد . در بسیاری از مساجد آمریکاییان آفریقائی تبار ، این امام و پیشوای دینی هم در زمینه معنوی و هم در زمینه قابلیت های اجرایی فعالیت می کند . با این حال ، در مساجد مهم مهاجرین ، این امام و پیشوای دینی بیشتر به عنوان یک رهبر و پیشوای روحی و معنوی به شمار می آید .

کتابهای کودکان ، ماه مقدس رمضان مسلمانان را ، مانند دیگر تعطیلات در توپم آمریکا جا داده است .

بزرگترین مسجد در ایالات متحده ، که توسط " مرکز اسلامی آمریکا " در سال ۲۰۰۵ تأسیس شد ، در دیر بورن ، میشیگان است .



آمریکایی های مسلمان در سازمان های دولتی در سطح فدرال، ایالتی و محلی در سراسر ایالات متحده خدمت می کنند. یک نمونه در سمت چپ از بالا به پایین دیده می شود.

کیث الیسون نخستین مسلمانی بود که در سال ۲۰۰۶ برای نمایندگی ناحیه پنجم مینه سوتا در کنگره ایالات متحده انتخاب شد. او سوگند نمایندگی خود را با استفاده از نسخه قرآنی که زمانی به توماس جفرسون تعلق داشت ادا کرد.



آندره کارسون، عضو شورای شهری- شهرستانی ایندیاناپولیس، پس از برنده شدن انتخابات ویژه در مارس ۲۰۰۸ دومین عضو مسلمان کنگره است که به عنوان نماینده هفتمین ناحیه ایندیانا انتخاب شد.



دیپلمات زلمای خلیزاد در مقام سفیر ایالات متحده در سازمان ملل، و سفیر ایالات متحده در عراق و افغانستان خدمت کرده است.



دکتر الیاس ای زرهونی از ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۸ مدیریت مؤسسات ملی بهداشت را بر عهده داشت.



سفیر شیرین طاهر-خلی در سمت مشاور ارشد وزیر امور خارجه ایالات متحده خدمت کرده است.

نماینده ساقب علی، نمایندگی بخشی از شهرستان مونتگومری را در مجمع عمومی مجلس نمایندگان ایالت مریلند بر عهده دارد.



ورزش



ورزش در ایالات متحده یک راه مهم برای دستیابی بسیاری از آمریکایی های مسلمان به شهرت بوده است.

در بالا، محمد علی جوان در سال ۱۹۶۴ به مقام قهرمانی سنگین وزن مشت زنی در جهان دست یافت. این مشت زن نام خود را تغییر داده و به سازمان ملت اسلام گرویده بود. علی سپس سنی شد، و اکنون اهل عرفان است.

بسکتبالیست کریم عبدالجبار، نفر اول از سمت چپ، نیز به اسلام گرویده است. جبار که در سال ۱۹۸۹ خود را از بسکتبال حرفه ای بازنشسته کرد، هنوز بالاترین امتیاز گل زدن را در تاریخ انجمن ملی بسکتبال در دست دارد.

جهاد محمد، با پیشانی بند سفید، یک بسکتبالیست دیگر است که اخیراً در یک تیم برتر دانشگاهی، دانشگاه سینسیناتی، بازی کرده است.

الظهير حکيم، بازیکن حرفه ای فوتبال آمریکایی که در این عکس در حال پریدن برای گرفتن توپ است، یک پیشینه ده ساله در لیگ ملی فوتبال داشت.

برنارد هاپکینز، مشت زن، حرفه خود را در جوانی در زندان آموخت و بعدها برای مدت بیش از ده سال قهرمان میان وزن مشت زنی باقی ماند. او هنوز در مسابقات شرکت می کند.



بازرگانی



آمریکایی‌های مسلمان از آزادی کارآفرین بودن، دست به مخاطره زدن، ایجاد حرفه و مشاغل کردن، و پیشرفت و کامیابی که در اختیار همه آمریکایی‌ها قرار دارد، برخوردارند.

دالیا غانم، طراح لباس نیویورکی به سنت های عربی تاب آمریکایی می بخشد.



احمد زویل، دانشمند مؤسسه فناوری کالیفرنیا، جایزه نوبل شیمی را از آن خود کرد.



کتاب های نویسنده یحیی امیریک، تاریخ و موضوعات مربوط به اسلام را در اختیار غیر مسلمانان می گذارند.

برج ۱۱۰ طبقه ای سیرز تاور در شیکاگو که در زمان تکمیل آن در سال ۱۹۷۴ بلندترین برج دنیا بود، نتیجه نوآوری های فضل الرحمن خان، مهندس ساختمان بود که این تمیر بنگلادشی از او تجلیل به عمل آورده است.



فرید زکریا، روزنامه نگار، ویراستار مجله نیوزویک بین المللی، و میزبان برنامه مصاحبه ای فرید زکریا GPS در کانال CNN.

مصطفی العقاد، تولید کننده و کارگردان فیلم های هالیوود، داستان های تاریخ اسلام مانند پیام و شیر صحرا، و مجموعه ای از فیلم های محبوب و پرفروش هالوین را تهیه کرده است.



رونالد بل - Ronald Bell
خواننده گروه "Kool & the Gang"



پوستری کوچک از هنرمندان





شهره آغداشلو
هنرپیشه



دیو شاپل - Dave Chappelle
هنرپیشه نمایش های خنده دار

عاصف مندوی - Aasif Mandvi
هنرپیشه نمایش های خنده دار

آحمد جمال - Ahmad Jamal
نوازنده پیانو جاز



میسون زاید - maysoon zayid
هنرپیشه نمایش های خنده دار



The RZA
خواننده موسیقی هیپ-هپ



اورلاست - Everlast
آهنگ ساز و خواننده



Mos Def - موس دف
هنرپیشه و خواننده موسیقی رپ

مہمند احمد خان در آفرین



کیو ٹیپ - Q-Tip
خوانندہ موسیقی رپ

Moussan Zaid



RE

BELVEDERE
VOD

فهرست منابع:

- جمعیت بین مذهبی جوانان
<http://ifyc.org>
- انجمن اسلامی دانشگاه نیویورک
<http://icnyu.org>
- شهر اسلامی
<http://www.islamicity.com>
- تارنمای کریم سلامه
<http://kareemsalama.com>
- تارنمای لون مود دات کام
<http://loanmod.com>
- تارنمای مسجد مادر آمریکا
<http://mothermosque.org>
- مرکز تحقیقاتی پیو
<http://pewresearch.org>
- پروژه چندگانگی دانشگاه هاروارد
<http://pluralism.org>
- تارنمای دالیا غانم تی شرت دات کام
<http://t-shirtat.com>
- Huda, Qamar-ul. The Diversity of Muslims in the United States: Views as Americans. Washington, DC: United States Institute of Peace, 2006.
- Pew Research Center. Muslim Americans: Middle Class and Mostly Mainstream. Washington DC: Pew Research Center, May 22, 2007.
- Strum, Philippa, ed. Muslims in the United States: Identity, Influence, Innovation. Washington, DC: Woodrow Wilson International Center for Scholars, 2005.
- Yazbeck, Yvonne Haddad, Jane I. Smith, and John L. Esposito, eds. Religion and Immigration: Christian, Jewish, and Muslim Experiences in the United States. Walnut Creek, CA: Alta-Mira Press, 2003.
- Abdo, Geneive. Mecca and Main Street: Muslim Life in America After 9/11. Oxford; New York: Oxford University Press, 2006.
- Barrett, Paul. American Islam: The Struggle for the Soul of a Religion. New York: Farrar, Straus and Giroux, 2007.
- Cesari, Jocelyne, ed. Encyclopedia of Islam in the United States. Westport, CT: Greenwood Press, 2007.
- Cesari, Jocelyne. When Islam and Democracy Meet: Muslims in Europe and in the United States. New York: Palgrave Macmillan, 2004.
- Chicago Council on Global Affairs. Strengthening America: The Civic and Political Integration of Muslim Americans. Report of the Task Force on Muslim American Civic and Political Engagement. Chicago: The Council, 2007.
- Esposito, John L., and Dalia Mogahed. Who Speaks for Islam?: What a Billion Muslims Really Think. New York: Gallup Press, 2008.
- Hammond, Andrew. What the Arabs Think of America. Oxford; Westport, CT: Greenwood World Publishing, 2007.
- Hasan, Asma G. American Muslims: The New Generation. New York and London: Continuum, 2000.

تارنماها:

تارنماهای ذیل در تهیه این کتاب بکار گرفته شده‌اند.

برنامه آقا خان برای معماری اسلامی در دانشگاه‌های هاروارد و ایم تی
<http://web.mit.edu/akpia/www>

تارنمای فضل الرحمن خان
<http://fazlurkhan.com>

انجمن بانوان گاما گاما کای
<http://gammagammachi.org>

تارنمای هبه امین
<http://hebaamin.com>

حقوق چاپ تصاویر:

All photos © AP Images except the following:

Page 2: courtesy Eboo Patel.

14:(bottom) © Chris Fitzgerald / Candidate Photos / The Image Works.

29: © Mohammad Muhaimin Aminuddin.

30: (top, left to right) © Ricardo Barros, courtesy Serena Kim; (bottom, left to right) courtesy Moose M. Scheib, courtesy Nyla Hashmi and Fatima Monkush, courtesy Kareem Salama, courtesy Kiran Khalid.

31: (top) courtesy Kitty Aal; (bottom) courtesy Heba Amin.

32: courtesy Kitty Aal.

33: © Ricardo Barros.

35: courtesy Serena Kim.

36-37: (all) courtesy Lena Khan.

38-39: (all) courtesy Moose M. Scheib.

40: (left) courtesy Moose M. Scheib, (right) courtesy Nyla Hashmi and Fatima Monkush.

41-42: (all) courtesy Carolina Rivera, Elan Magazine.

43-44: (all) courtesy Kareem Salama.

45-47: (all) courtesy Kiran Khalid.

52-55: (all) courtesy Omar Khalidi, The Aga Khan Program for Islamic Architecture at Harvard University and the Massachusetts Institute of Technology.

56: (left, bottom) Library of Congress, Prints & Photographs Division; (middle, top) Library of Congress, Prints & Photographs Division; (middle, bottom) portrait of Yarrow Mamout by Charles Wilson Peale, courtesy The Historical Society of Pennsylvania Collection, Atwater Kent Museum of Philadelphia.

57: (left, top) Library of Congress, Prints & Photographs Division; (left, bottom) courtesy Moorish Science Temple of America, Inc.; (middle, center) Library of Congress, Prints & Photographs Division; (right, top) courtesy The Mother Mosque of America.

58: (middle, top) Omar Khalidi, The Aga Khan Program for Islamic Architecture at Harvard University and the Massachusetts Institute of Technology; (middle, bottom) courtesy Charles Bilal; (right, top) courtesy Abdul-Rasheed Muhammad.

59: (left, top) Gamma Gamma Chi Sorority, Inc.; (right) courtesy The Chicago Tribune.

Supplement, page 2: (top) courtesy Dalia Ghanem; (third from bottom) courtesy Yasmin Khan Byron.



تهیه کنندگان:

تدوینگر اجرایی: جورج کلاک

سر دبیر: مایکل جی فریدمن

مدیر تدوین: شاندرلی مکدونالد

هم یارمدیر تدوین: رافائل کالیس


تدوین تصاویر / طراحی: تیم براون

نویسنده ها: هاوارد سینکوتا، دیورا کان، سرینا کیم، مگان لوفتوس

محقق: مارتین مانینگ

محقق تصاویر: جوان استرن

وزارت امور خارجه ایالات متحده / اداره برنامه های اطلاعات بین المللی



وزارت امور خارجه ایالات متحده / اداره برنامه های اطلاعات بین المللی